نامه ای از وزیر

خواننده عزیز:

سال گذشته من از یک پناهگاه افراد نجات یافته از قاچاق انسان بازدید کردم. کودکانی مرا در آغوش می گرفتند که می بایست در دبستان در حال درس خواندن باشند د، اما به جای تحصیل، در حال بهبود یافتن از آثار ناشی از وادار شدن به تن فروشی در روسپی خانه ها بودند. ما می دانیم که قاچاق انسان بر تمامی مناطق و کشورهای جهان تاثیر می گذارد، اما نگاه کردن در چشم های این دختران و شنیدن داستان زندگی آنها از دهان خودشان، سبب شد تا بار دیگر این مصیبت بسیار واقعی و شخصی برده داری مدرن، هنگام بازگشت به خانه همراه من باشد. به همین دلیل است که طی دهه گذشته ایالات متحده و جامعه بین المللی برای مبارزه با این آفت، در هر مکانی که وجود داشته است، به طور جدی متعهد بوده اند. آن دختران، و میلیون ها نفر از مردم در سرتاسر جهان که آنها نماینده شان هستند، همه به منزله فراخوانی برای تلاش به منظور تحقق بخشیدن به قول ها و تعهدات دهه گذشته اند.

گزارش قاچاق انسان در سال 2011 دربرگیرنده بیش از 180 گزارش در زمینه ارزیابی تلاش های دولت ها برای مبارزه با قاچاق انسان است. ایالات متحده در پایبندی به مفاد و ارزش های پروتکل قاچاق انسان سازمان ملل، که هدف از آن تضمین جلوگیری، تعقیب قضایی، و محافظت از بیشترین تعداد قربانیان است، قاچاق انسان را به عنوان پدیده ای که دربرگیرنده تمامی اقدامات مرتبط با کار اجباری و همچنین قاچاق بزرگسالان و کودکان با هدف بهره کشی جنسی به منظور کسب درآمد تعریف می کند. در این هنگام که ما به ارزیابی خود و سایر کشورهای سرتاسر جهان می پردازیم، معیار حقیقی تلاش های یک کشور در زمینه مبارزه با قاچاق انسان تنها تصویب قوانینی قدرتمندی که هماهنگ با این رویکرد باشد، نیست، بلکه این است که آیا این قوانین به طور کامل و موثر اجرا می شوند به طور خلاصه، نکته مهم این است که آیا این قوانین نتیجه بخش هستند یا نه .

در این دهه که زمان دستیابی به نتیجه است، ما باید اطمینان حاصل کنیم که تلاش ها مان همچنان در راستای مبارزه با تمامی انواع قاچاق انسان ادامه داشته باشند؛ چه قاچاق انسان برای سواستفاده جنسی باشد و چه برای کار اجباری، چه قاچاق انسان در داخل مرزهای یک کشور به وقوع پیوندد و چه به صورت فرا مرزی، و صرف نظر از این که قربانیان این پدیده مردان و زنان باشندهستند یا کودکان. ما باید از طریق ایجاد همکاری هایی که کشورهای مبدا را برای سواستفاده در زمینه تامین قربانیان جدید مسئول قرار می دهد و اطمینان حاصل می کند که کشورهای مقصد به صورت جدی برای شناسایی قربانیان اقدام می کنند و قاچاقچیان را به طور قاطع تحت تعقیب قضایی قرار می دهند، از این جنایت جلوگیری کنیم. ما باید با صاحبان صنایع همکاری کنیم تا بدین ترتیب مصرف کنندگان بتوانند اطلاع یابند که محصولات و خدماتی که خریداری می کنند، از طریق منابعی مسئول و مطمئن تامین شده است. و ما باید توانمندی دولت ها برای محافظت از قربانیان و تعقیب و محاکمه قاچاقچیان را تقویت کنیم. کشورهایی که به دلیل پایبندی قاطع خود به حاکمیت قانون شناخته شده هستند، نمی توانند تنها به این دستاورد خود بسنده کنند و باید برای تحقق بخشیدن به عدالت و ارائه خدماتی که قربانیان قاچاق انسان شایستگی آن را دارند، تلاش کنند.

این گزارش سالانه تعهد مستمر ایالات متحده را به مبارزه با قاچاقچیان، صرف نظر از این که در چه مکانی باشند تجسم می بخشد، زیرا مبارزه با برده داری و حمایت از حقوق بشر بخشی از هویت ملی ما به

شمار می رود. ما برای دخترانی که در آن پناهگاه بودند – و برای تمامی کسانی که قربانی این جنایت بوده اند – در تلاش های خود قاطع و در ارزیابی های خود صادق باقی خواهیم ماند. ما باید به تعهدات خود در زمینه محافظت از قربانیان، مجازات سواستفاده کنندگان، و ساختن دوباره زندگی نجات یافتگان – به نحوی که آنها روزی فرصت داشته باشند که توانمندی های خدادادی خود را تحقق بخشند – عمل کنیم.

نامه ای از طرف سفیر

خواننده عزیز،

اگر گزارش قاچاق انسان در سال 2010 (TIP) سالروزهایی را مشخص کرده و به بررسی پیشرفت های حاصل شده می پرداخت، گزارش TIP در سال 2011 دورانی جدید از رویکردهایی واقعاً جامع در راستای مبارزه با قاچاق انسان را معرفی می کند. طی دهه گذشته جامعه بین المللی، واکنش انفعالی مبنی بر انکار وجود این جنایت در دوران کنونی را پشت سر گذاشته و به جای آن، طیف گسترده ای از سیاست ها و و مشارکت ها را اتخاذ کرده است. این تغییر رویکرد به طور عمده ای ناشی از تاثیر گزارش های سالانه TIP، تصویب سریع پروتکل پالرموی سازمان ملل، و پافشاری جوامع مدنی برای نادیده گرفته نشدن این جنایت بوده است.

دولت ها اکنون استفاده از شیوه های مدرن را برای قاچاق انسان و تاثیر این شیوه ها را بر قربانیان تایید می کنند. توافقی گسترده در زمینه واکنش مناسب در برابر این پدیده وجود دارد؛ 142 کشور پروتکل پالرمو را تصویب کرده اند، و 128 کشور قوانینی را که تمامی انواع قاچاق انسان را ممنوع می کند تصویب کرده اند. هر سال ما شاهد پیشرفت در زمینه تعقیب و محاکمه قاچاقچیان، شناسایی قربانیان، و انجام اقدامات محافظتی و پیشگیرانه هستیم. و بر خلاف یک دهه گذشته، اکنون در بالاترین سطوح دولت در مورد ریشه کن کردن این پدیده صحبت می شود. اکنون رهبران کشورها و مدیران اجرایی شرکت ها در اجلاس سهامداران، مراسم کلیسا و در وبلاگ ها و فضای مجازی در مورد این حقیقت که هنوز در این عصر مدرن نوعی از برده داری وجود دارد که باید با آن مقابله شود، صحبت می کنند.

با این حال، برده داری مدرن نه تنها برای شمار محدودی از افراد منزوی بلکه برای میلیون ها تن از مردم به صورت یک واقعیت وجود دارد. و تنها راهکار مقابله با این پدیده نیز اقدام دولت ها است. مسئولیت دولت ها در زمینه تعقیب و محاکمه قاچاقچیان انسان و تامین عدالت برای قربانیان، نمی تواند تنها به سازمان های غیردولتی محول شود، و محافظت از قربانیان نیز نباید به عهدهٔ این سازمان ها گذاشته شود. اقدامات فراگیر و ساختاری مورد نیاز برای جلوگیری از قاچاق انسان، باید بازتاب دهنده یک تحول فرهنگی باشد که به موجب آن برده داری مدرن نفی شود؛ با نیازهایی که زمینه ساز این جنایت است، مقابله گردد ؛ و بر لزوم مسئولیت پذیری شخصی تاکید به عمل آید. اما شالوده این تلاش ها باید از اقدامات دولت ها نشات بگیرد.

گزارش TIP امسال بر این مساله تاکید دارد که دولت ها چگونه می توانند به سوی اتخاذ رویکردی هدفمندتر و قاطع تر که به طور کامل پاسخگوی حداقل استانداردها برای مبارزه با قاچاق انسان باشد، حرکت کنند. این گزارش همچنین به مساله نظام ها و سیاست های دولتی که زمینه ساز قاچاق انسان می شود نیز می پردازد. یک رویکرد مدرن برای این که به مرحلهٔ پختگی برسد باید از این که تنها متمرکز

بر تصویب قوانین باشد فرار رود. به جای آن ما باید موفقیت ها و شکست های خود را بر اساس کمک به قربانیان، مجازات قاچاقچیان و جلوگیری از سواستفاده ها بسنجیم. اکنون زمان آن فرارسیده است که در مورد سه اصل اساسی تنها به بسنده نکنیم، بلکه به آنها جامه عمل بپوشانیم: تعقیب و محاکمه قاچاقچیان به تنهایی نمی تواند این پدیده شوم را در جهان ریشه کن کند، بلکه باید به طور کامل با محافظت و پیشگیری همراه باشد. تمامی کشورها – در هر سطحی – می توانند و باید کارهای بیشتری انجام دهند.

اجازه دهید همانگونه که ما ده سال گذشته را به عنوان دهه پیشرفت می شناسیم، ده سال آینده را به عنوان دهه دستیابی به نتایج در نظر بگیریم.

برای گرامیداشت خاطرۀ ریچارد هولبروک
(1941- 2010)

"پایان بخشیدن به جنایتی چنین وحشتناک، یک موضوع سیاسی به شمار نمی رود؛ بلکه امری الزامی از لحاظ آرمان های آمریکا و یک مسئولیت انسانی است. به همین دلیل است که طرفداران ریشه کن کردن بردگی در دنیای مدرن همچنان وجود دارند، و به همین دلیل ما نیز باید به آنها بپیوندیم."

– ریچارد هولبروک، 2008

اواخر سال گذشته، وزارت امور خارجه در غم از دست دادن سفیر ریچارد هولبروک، مردی که الگویی در زمینه عالیترین نوع خدمت دولتی بود، به سوگ نشست. سابقه تاریخی فعالیت های او در ویتنام، خدمات او به عنوان یکی از جوان ترین دستیاران وزیر در تاریخ ایالات متحده، نقش تعیین کننده او در پایان بخشیدن به جنگ بالکان، خدمات او به عنوان سفیر ایالات متحده در سازمان ملل، و در نهایت، فعالیت های او به عنوان نماینده ویژه در امور افغانستان و پاکستان، برای بسیاری از افراد آشنا است. اما تعداد کمی از افراد از تعهد قلبی ریچارد هولبروک به مبارزه با برده داری مدرن آگاه هستند.

در سال 2009 که سفیر هولبروک به عنوان نماینده ویژه ایالات متحده در افغانستان و پاکستان مشغول خدمت بود، از وجود گروهی از کارگران در پاکستان آگاه شد که برای استهلاک بدهی خود وادار به کار اجباری شده بودند. او گرفتاری و مشکل این کارگران را به عنوان یک درگیری محلی و یا مساله ای که به او مربوط نمی شود، نادیده نگرفت. او حل این مشکل را به نظام اجتماعی مستقر در پاکستان ارجاع نداد، و واهمه ای نداشت که طرح این مساله ممکن است با گفتگوهای بسیار مهم او با دولت پاکستان مغایرت داشته باشد. بلکه سفیر هولبروک کاری را انجام داد که به بهترین نحو در آن تخصص داشت – او رایزنی کرد، تماس های تلفنی متعددی گرفت، جلساتی را تشکیل داد، و با اراده راسخ خود نهادهای اداری دو کشور را به حرکت واداشت. و نتیجه این یک هفته طوفانی چه بود؟ نزدیک به 200 نفر که با زور و تهدید وادار به کار اجباری شده بودند، اکنون به دلیل تلاش های ریچارد هولبروک آزاد هستند.

این یک رویداد منحصر به فرد نبود. سفیر هولبروک در طول دوران فعالیت خود نه تنها با عوامل تاثیرگذار در جغرافیای سیاسی و فراز و نشیب گفت و شنودها آشنا بود، بلکه به انسان ها، حتی در زمینه موضوعی پنهانی مانند برده داری مدرن، نیز اهمیت می داد. سخنان خود او به بهترین نحو گویای این حقیقت است:

"انسان نباید هیچگاه فراموش کند که برده ها، نخست و پیش از هر چیز انسان هستند. زندگی آنها سرشار از اندوه و بی عدالتی است – و در عین حال ... آنها از شوخ طبعی و شادمانی نیز بهره مند هستند. درست مانند انسان های معمولی دیگر. درست مانند انسان های آزاد."

دیپلمات های آمریکایی در وزارت امور خارجه و در سفارتخانه های ما در سرتاسر دنیا تلاش می کنند تا به معیارهای ایجاد شده توسط او و الگوی او پایبند باشند. دیپلمات های ما چه از طریق برقراری ارتباط با دولت های میزبان، و تامین بودجه سازمان های غیردولتی برای ارائه خدمات در خطوط مقدم، و چه از طریق کشف موارد قاچاق انسان در کشورهایی که در آنها مشغول خدمتند، و مقابله با آن، در حال ایجاد تغییرهستند. ما ازاین طریق تلاش می کنیم تا یاد سفیر هولبروک را گرامی بداریم. ما ازاین طریق تلاش می کنیم تا انتظارات جامعه ای که به آن خدمت می کنیم را برآورده سازیم. ما برای قربانیان این پدیده بسیار اندوهگین هستیم، برای کسانی که جان خود را از دست داده اند، سوگواری می کنیم، و با تهیه و ارائه گزارش و دیپلماسی خود می کوشیم شایسته ادامه مسیر آنها باشیم.

گزارش قاچاق انسان در سال 2011 (TIP)
تعاریف و روش شناسی
قاچاق انسان چیست؟

طی 15 سال گذشته از عبارت "قاچاق انسان" برای توصیف کلی تمام فعالیت هایی استفاده شده است که طی آن یک شخص شخص دیگری را وادار به خدمت اجباری می کند یا از این خدمات اجباری شخص دیگری بهره می برد. قانون محافظت از قربانیان قاچاق انسان (TVPA) این خدمات اجباری را با عبارت های مختلفی مانند کار غیرداوطلبانه، بردگی، کار اجباری به ازای بدهی، و کار اجباری توصیف کرده است.

طبق پروتکل سازمان ملل برای جلوگیری، متوقف کردن، و مجازات عاملان قاچاق انسان، خصوصاً زنان و کودکان (پروتکل پالرمو) و TVPA، صرف نظر از این که انسان ها در شرایط بردگی به دنیا آمده باشند و یا به شرایط استثمار گرانه منتقل شده باشند؛ چه یکبار با کارکردن برای یک قاچاقچی انسان موافقت کرده باشند؛ و یا به عنوان نتیجه مستقیم قاچاق شدن ، در یک اقدام خلاف قانون شرکت کرده باشند؛ در هر حال قربانی قاچاق انسان به شمار می روند. شیوه های بیشمار به بردگی کشیدن انسان ها – نه فعالیت هایی که با انتقال بین المللی قربانیان مرتبط است – در مرکز این پدیده قرار دارد.

روش های عمده قاچاق انسان عبارتند از:
کار اجباری

کار اجباری که تحت عنوان کار غیرداوطلبانه نیز نامیده می شود، ممکن است به این علت رخ دهد که کارفرمایان بی توجه به اصول اخلاقی، از کارگرانی که به دلایلی مانند نرخ بالای بیکاری، فقر، جنایت، تبعیض، فساد، درگیری های سیاسی، و یا پذیرش فرهنگی اینگونه اقدامات در جامعه، آسیب پذیر هستند، سواستفاده می کنند. مهاجران آسیب پذیری بیشتری در برابر این پدیده دارند، اما ممکن است انسان ها در کشور خود نیز وادار به کار اجباری شوند. قربانیان زن کار اجباری و یا کار به ازای بدهی، خصوصاً زنان و دخترانی که به عنوان مستخدم در خانه ها وادار به کار می شوند، اغلب مورد سواستفاده جنسی نیز قرار می گیرند.

قاچاق جنسی

هنگامی که یک شخص بالغ با زور و اجبار یا با فریبکاری به تن فروشی واداشتهمی شود – و یا زیر فشاربه تن فروشی ادامه می دهد– آن شخص یک قربانی قاچاق جنسی است. تمامی کسانی که در پیدا کردن و به کار گرفتن، انتقال، پنهان کردن، تامین مکان اقامت، و یا سواستفاده جنسی از این قربانیان نقش داشته باشند، مرتکب جرم قاچاق انسان شده اند. قاچاق جنسی همچنین می تواند در قالب تن فروشی به ازای پرداخت بدهی صورت گیرد، و زنان و دختران با استفاده از "بدهی" غیرقانونی که ظاهراً طی انتقال آنها به کشورهای مبدا، استخدام و بکارگیری آنها، و یا حتی "فروش" آنها برایشان ایجاد شده است – و سواستفاده کنندگان از آنها می گویند که باید این بدهی را بپردازند تا بتوانند آزاد شوند – مجبور به تن فروشی می شوند. نکته مهم این است که رضایت اولیه یک شخص برای تن فروشی، از لحاظ قانونی تعیین کننده و الزام آور نیست: اگر این اشخاص پس از آن رضایت اولیه خود چه از طریق فریب و نفوذ

روانی و چه از طریق اجبار فیزیکی، وادار به تن فروشی شوند، قربانیان قاچاق انسان به شمار می روند و باید از مزایای مندرج در پروتکل پالرمو و قوانین ملی قابل اجرا بهره مند شوند.

کار به ازای بدهی

یکی از انواع اجبار و تحمیل، استفاده از سند قرضه و یا بدهی است. این نوع کار اجباری که اغلب تحت عنوان "کار به ازای پرداخت بدهی" و یا "کار به ازای اوراق قرضه" نامیده می شود، از مدت ها پیش در قوانین ایالات متحده در زیرمجموعه بیگاری قرار گرفته و ممنوع شده است. همچنین طبق پروتکل پالرمو نیز این نوع کار اجباری به عنوان نوعی از قاچاق انسان، غیرقانونی اعلام شده است. هنگامی که قاچاقچیان و یا افرادی که قربانیان را به کار می گیرند، به طور غیرقانونی از یک بدهی اولیه که یک کارگر به عنوان بخشی از شرایط استخدام زیر بار آن رفته است، سواستفاده می کنند، این کارگران در سرتاسر جهان قربانی پدیده کار اجباری به ازای بدهی می شوند. همچنین ممکن است در برخی از نظام های سنتی تر کار اجباری، این بدهی به کارگران به ارث برسد. به عنوان مثال، برآورد می شود که در جنوب آسیا میلیون ها قربانی قاچاق انسان برای پرداخت بدهی پدران و اجداد خود وادار به کار اجباری شده اند.

کار اجباری به ازای پرداخت بدهی در بین کارگران مهاجر

سواستفاده از قراردادها و شرایط کاری خطرناک برای کارگران مهاجر لزوماً به معنای قاچاق انسان نیست. با این حال، تحمیل هزینه ها و بدهی های غیرقانونی به این کارگران در کشورهای مبدا، که اغلب با حمایت سازمان های کارگری و کارفرمایان در کشورهای مقصد صورت می گیرد، می تواند منجر به ایجاد شرایط کار اجباری به ازای پرداخت بدهی شود. این پدیده حتی هنگامی هم که وضعیت یک کارگر در کشور مقصد در چهارچوب برنامه های استخدام برای کار موقت به کارفرمای او وابسته است مشاهده می شود.

خدمتکاری بدون رضایت

یک نوع منحصر به فرد از کار اجباری، مربوط به کارگرانی است که بدون رضایت به کار در خانه ها وادارمی شوند، محل کار آنها غیررسمی است و در کنار محلی که خارج از ساعات کار در آن زندگی می کنند، قرار دارد، و اغلب با محل کار و زندگی دیگر کارگران مشترک نیست. اینگونه فضاها که اغلب سبب انزوای اجتماعی کارگران می شود، زمینه را برای سواستفاده از کارگران بر خلاف رضایت آنها فراهم می کند، زیرا مسئولان نمی توانند به همان سادگی که محیط های کاری رسمی را بازرسی می کنند، این مکان های شخصی را مورد بازرسی قرار دهند. بازرسان و ارائه کنندگان خدمات به قربانیان، موارد متعددی از بیماری های درمان نشده، و متاسفانه سواستفاده های جنسی گسترده را در بین این کارگران گزارش می کنند، که در برخی موارد ممکن است نشانه ای از شرایط کار اجباری در خانه ها باشد.

کار اجباری کودکان

اغلب سازمان های بین المللی و قوانین ملی امکان اشتغال قانونی کودکان به کارهای خاصی را تایید می کنند. با این حال، این توافق گسترده وجود دارد که بدترین انواع کار کودکان، شامل کار اجباری و کار

کودکان به ازای پرداخت بدهی، باید ریشه کن شوند. یک کودک می تواند صرف نظر از مکانی که در آن بر خلاف رضایت خود وادار به کار اجباری می شود، قربانی پدیده قاچاق انسان باشد. شاخص های احتمال کار اجباری کودکان شامل شرایطی است که در آن یک کودک ظاهراً تحت قیمومیت شخصی خارج از خانواده خود قرار دارد، که کودک را وادار به انجام کارهایی می کند که سود مالی آن نصیب افرادی خارج از خانواده کودک می شود و کودک امکان ترک آن کار را ندارد. راهکارهای مبارزه با قاچاق انسان باید اقدامات مرسوم علیه کار کودکان – مانند جبران خسارت و آموزش – را تکمیل کنند، نه اینکه جایگزین آنها شوند. با این حال، هنگامی که کودکان وادار به کار اجباری می شوند، شیوه های کهنهٔ اداری درمقابله با کار اجباری کودکان، نباید سبب شوند که سواستفاده کنندگان از مجازات فرار کنند.

کودکان سرباز

استفاده از کودکان به عنوان سرباز هنگامی که مستلزم استخدام و بکارگیری غیرقانونی کودکان – از طریق زور، فریب و یا اجبار – به عنوان یک رزمنده، کارگر و یا برای سواستفاده جنسی توسط نیروئهای مسلح باشد، مصداق قاچاق انسان به شمار می رود. مرتکبان ممکن است نیروهای دولتی، سازمان های شبه نظامی و یا گروه های شورشی باشند. بسیاری از کودکان به زور ربوده می شوند تا از آنها به عنوان رزمنده استفاده شود. بسیاری دیگر نیز به طور غیرقانونی وادار به باربری، آشپزی، نگهبانی، مستخدمی، پیغام بری و یا جاسوسی می شوند. دختران جوان ممکن است وادار به ازدواج و یا داشتن رابطه جنسی با جنگجویان مرد شوند. کودکان سرباز پسر و دختر اغلب از لحاظ جنسی مورد سواستفاده قرار می گیرند و در معرض خطر ابتلاء به بیماری های مقاربتی قرار دارند.

قاچاق جنسی کودکان

طبق آمار یونیسف، در حدود دو میلیون کودک در عرصه تجارت جنسی جهانی وادار به تن فروشی شده اند. سواستفاده جنسی از کودکان با اهداف سودجویانه طبق پیمان ها و پروتکل های بین المللی ممنوع است و جرم محسوب می شود. استفاده از کودکان در عرصه تجارت جنسی طبق پروتکل پالرمو و قوانین ایالات متحده و همچنین قوانین کشورهای سرتاسر جهان، ممنوع است. هیچگونه مخالفت و یا توجیه فرهنگی و یا اجتماعی- اقتصادی ای نمی تواند مانع از نجات کودکان از بردگی جنسی شود. قاچاق جنسی عواقب بسیار ویرانگری شامل آسیب های پایدار جسمی و روانی، بیماری(مانند HIV/AIDS)، اعتیاد به مواد مخدر، بارداری های ناخواسته، سوتغذیه، طردشدگی اجتماعی و مرگ احتمالی برای کودکان در بر دارد.

روش شناسی

وزارت امور خارجه این گزارش را با استفاده از اطلاعات تهیه شده توسط سفارتخانه های ایالات متحده، مقامات دولتی، سازمان های غیردولتی و بین المللی، گزارش های منتشرشده، سفرهای تحقیقاتی به مناطق مختلف، و اطلاعات ارسال شده به .Tipreport@state.gov تهیه کرده است. این نشانی ایمیلی، ابزاری فراهم می کند که سازمان ها و اشخاص از طریق آن می توانند اطلاعات خود را در مورد پیشرفت های دولت در زمینه مبارزه با قاچاق انسان در اختیار وزارت امور خارجه قرار دهند.

مأموریت های دیپلماتیک ایالات متحده و سازمان های داخلی، گزارش های خود را در زمینه وضعیت قاچاق انسان و اقدامات دولتی برای مبارزه با قاچاق انسان بر اساس تحقیقات کاملی تهیه کرده اند که شامل دیدار با طیف گوناگونی از مقامات دولتی، نمایندگان سازمان های غیردولتی محلی و بین المللی، مسئولان سازمان های بین المللی، روزنامه نگاران، دانشگاهیان، و نجات یافتگان قاچاق انسان بوده است. هیات های ایالات متحده در کشورهای خارجی نیز مسائل مرتبط با قاچاق انسان را تحت پوشش قرار می دهند.

دسته بندی کشورها

وزارت امور خارجه بر اساس الزام ناشی از TVPA، در گزارش TIP سال 2011 هر کشور را در یکی از رده بندی های سه گانه قرار داده است. این رده بندی ها بیش از آنکه بر مبنای دامنهٔ مشکل باشد، بر اساس میزان اقدامات هر دولت در راستای مبارزه با قاچاق انسان صورت می گیرد، گرچه دامنهٔ مشکل نیز عاملی مهم به شمار می رود. تحلیل های انجام شده نیز بر اساس حجم تلاش های یک دولت برای انطباق با و اجرای حداقل معیارهای TVPA در زمینه ریشه کن کردن قاچاق انسان صورت گرفته است. (به صفحه 404 مراجعه کنید).

در حالی که کشورهای عضو رده بندی یک دارای بیشترین امتیاز هستند، این امر به آن معنا نیست که این کشورها با مشکل قاچاق انسان روبرو نیستند. بلکه قرار گرفتن در رده بندی یک به این معناست که یک دولت وجود مشکل قاچاق انسان را پذیرفته است، برای مقابله با این مشکل تلاش کرده است، و دارای حداقل معیارهای تعیین شده در TVPA است. دولت ها به منظور حفظ جایگاه خود در رده بندی یک باید هرساله تلاش های محسوسی در زمینه مبارزه با قاچاق انسان انجام دهند. در حقیقت، قرار گرفتن در رده بندی یک به معنای بر عهده داشتن یک مسئولیت، و نه داشتن آسودگی خاطر، است.

رده بندی کشورها و گزارش مربوط به هر کشور در گزارش TIP سال 2011 نشان دهنده موارد زیر است:

- تصویب قوانینی که انواع شیوه های جدی قاچاق انسان – طبق تعاریف TVPA – را ممنوع کرده است و شرایط مجازات عاملان قاچاق انسان را فراهم می کند؛
- تعیین مجازات های کیفری برای عاملان قاچاق انسان، شامل حداکثر پنج سال محرومیت از آزادی و یا مجازات هایی سنگین تر؛
- اجرای قوانین مرتبط با قاچاق انسان از طریق پیگیری جدی شیوه های رایج قاچاق انسان در کشور؛
- شناسایی پیشگیرانه قربانیان از طریق روش های نظام مند، به منظور کمک به نیروهای اجرای قانون و سایر نیروهای دولتی مبارزه با قاچاق انسان در فرایند شناسایی قربانیان؛
- اختصاص بودجه دولتی و همکاری دولت با سازمان های غیردولتی در زمینه تامین مراقبت های بهداشتی اولیه، ارائه مشاوره و تامین سرپناه برای قربانیان، و فراهم کردن امکان بازگویی تجربیات آنها در مورد قاچاق انسان برای مشاوران اجتماعی آموزش دیده و نیروهای اجرای قانون در فضایی با کمترین تنش ممکن؛

- تلاش برای محافظت از قربانیان که شامل امکان دسترسی به خدمات و سرپناه بدون بازداشت آنها و فراهم کردن راهکارهای قانونی جایگزین برای قربانیانی است که در صورت بازگردانده شدن به کشور خود با انتقام جویی و یا مشکلات روبرو می شوند؛
- میزان تاکید یک دولت برای حصول اطمینان از فراهم کردن کمک های قانونی و سایر کمک ها برای قربانیان، و این موضوع که این اقدامات – در تطابق با قوانین ملی آن کشور – در زمینه حقوق، شرافت انسانی، و سلامت روانی قربانی تبعیض آمیز نباشند.
- میزان تاکید یک دولت برای حصول اطمینان از بازگردانده شدن قربانی به کشور خود و استقرار مجدد او در جامعه به صورتی امن، انسانی، و تا حد امکان داوطلبانه؛ و
- اقدامات دولتی برای جلوگیری از قاچاق انسان، شامل تلاش برای جلوگیری از شیوه هایی که به عنوان عوامل زمینه ساز قاچاق انسان –شامل کار اجباری – به شمار می روند، مانند توقیف گذرنامه های کارگران خارجی توسط کارفرما، و اجازه دادن به واسطه های استخدام این کارگران برای دریافت هزینه اضافی از مهاجران احتمالی.

عوامل زیر بر رده بندی کشورها و گزارش مربوط به هر کشور تاثیری ندارند:

- تلاش هایی که صرفاً توسط سازمان های غیردولتی در یک کشور صورت گرفته است، هرچند این اقدامات قابل تحسین باشد؛
- مراسمی که برای اطلاع رسانی عمومی برگزار می شود – چه توسط دولت و چه توسط سازمان های غیردولتی – و ارتباط مستحکمی با تعقیب و مجازات قاچاقچیان، محافظت از قربانیان، و یا جلوگیری از قاچاق انسان ندارد؛
- پیشرفت های کلی و یا طرح هایی در زمینه اجرای قانون که در آنها تاکید ویژه ای بر مساله قاچاق انسان صورت نگرفته باشد.

توضیحی در مورد رده بندی ها

رده بندی یک
کشورهایی که دولت های آنها به طور کامل به حداقل معیارهای تعیین شده توسط TVPA در زمینه ریشه کن کردن قاچاق انسان پایبند هستند.

رده بندی دو
کشورهایی که دولت های آنها به طور کامل به حداقل معیارهای تعیین شده توسط TVPA پایبند نیستند، اما در حال انجام تلاش هایی چشمگیر برای پایبندی کامل به این استانداردها هستند.

فهرست مراقبتی رده بندی دو
کشورهایی که دولت های آنها به طور کامل به حداقل معیارهای تعیین شده توسط TVPA پایبند نیستند، اما در حال انجام تلاش هایی چشمگیر برای پایبندی کامل به این استانداردها هستند و

a) تعداد قطعی قربانیان انواع جدی قاچاق انسان در این کشورها بسیار چشمگیر و یا به طور چشمگیری در حال افزایش است؛

b) ناتوانی در ارائه مدارکی که نشان دهنده افزایش تلاش ها در زمینه مبارزه با انواع جدی قاچاق انسان نسبت به سال گذشته ؛ شامل افزایش بازرسی ها، تعقیب قانونی و محکومیت قاچاقچیان، افزایش کمک رسانی به قربانیان، و کاهش شواهدی باشد که مشارکت مقامات دولتی را در انواع جدی قاچاق انسان نشان دهد ؛ یا
c) تشخیص اینکه یک کشور در حال انجام تلاش هایی چشمگیر برای دستیابی به حداقل معیارها است، بر اساس تعهدات آن کشور به انجام اقدامات بیشتر طی یک سال آینده صورت گرفته است.

رده بندی سه
کشورهایی که دولت آنها به طور کامل به حداقل معیارها پایبندی ندارند و تلاش چشمگیری نیز برای دستیابی به این استانداردها انجام نمی دهند.

TVPA عوامل دیگری را که برای تشخیص قرار گرفتن یک کشور در رده بندی دو (یا فهرست مراقبتی رده بندی دو) به جای رده بندی سه به کارمی گیرد مشخص کرده است. نخست، یک کشور تا چه میزان به عنوان کشور مبدا، محل عبور، و یا مقصد در انواع جدی قاچاق انسان نقش دارد. دوم، میزان عدم پایبندی دولت یک کشور به حداقل معیارهای TVPA و خصوصاً میزان مشارکت مقامات و کارمندان دولت در انواع جدی قاچاق انسان. سوم، اقدامات معقول و قابل قبولی که یک دولت با توجه به منابع و توانمندی های خود باید برای مبارزه با و ریشه کن کردن انواع جدی قاچاق انسان انجام دهد تا به حداقل معیارها دست یابد.

در سال 2008 و هنگام تمدید قانون ویلیام ویلبرفورس در ارتباط با محافظت از قربانیان قاچاق انسان ، یک بند جدید به این قانون افزوده شد که طبق آن هر کشوری که برای دو سال متوالی در فهرست مراقبتی رده بندی دو قرار داشته باشد و شواهد و مدارک نشان دهنده آن باشد که برای سال سوم نیز در همین دسته بندی قرار می گیرد، در سال سوم به جای فهرست مراقبتی رده بندی دو در رده بندی سه قرار خواهد گرفت. این بند جدید برای نخستین بار در گزارش امسال اجرا شد. وزیر امور خارجه از طریق نمایندگان خود می تواند بر اساس مدارک معتبر مبنی بر این که یک کشور دارای برنامه ای تدوین شده است که در صورت اجرای آن برنامه، تلاش های چشمگیری در راستای دستیابی به حداقل معیارهای TVPA در زمینه ریشه کن کردن قاچاق انسان انجام خواهد شد و همچنین آن کشور منابع کافی برای اجرای آن برنامه را نیز اختصاص داده است، آن کشور را از تنزل خود به خود از فهرست مراقبتی رده بندی دو به رده بندی سه مستثنی کند. دولت هایی که این تنزل خود به خودشامل آنها می شود، از طریق گزارش های مربوط به کشور خود از این امر مطلع خواهند شد.

مجازات کشورهایی که در رده بندی سوم قرار می گیرند

بر اساس TVPA، دولت های کشورهایی که در رده بندی سوم هستند، ممکن است تحت تحریم های خاصی قرار بگیرند، که طبق آن دولت ایالات متحده ممکن است از ارائه کمک های خارجی غیربشردوستانه و هرگونه کمک مرتبط با فعالیت های غیربازرگانی به این کشورها جلوگیری و یا این کمک ها را قطع کند. علاوه بر این، ممکن است بودجه مشارکت کارمندان دولت در برنامه های مبادلهٔ آموزشی و فرهنگی نیز به کشورهای رده بندی سه تعلق نگیرد. طبق TVPA، ایالات متحده با ارائه کمک به کشورهای تحت تحریم توسط نهادهای مالی بین المللی مانند صندوق بین المللی پول (IMF) و بانک

جهانی (به غیر از کمک های بشردوستانه، کمک های مرتبط با فعالیت های بازرگانی، و کمک های خاص در زمینه توسعه) مخالفت خواهد کرد.

تحریم های اعمال شده از اول اکتبر سال 2011 اجرا خواهند شد؛ با این حال، در صورتی که رئیس جمهوری تشخیص دهد که ارائه کمک به دولت یک کشور سبب پیشبرد اهداف این قانون می شوه و یا در راستای منافع ملی ایالات متحده است، می تواند تمام یا بخشی از این تحریم ها را لغو کند. همچنین در TVPA قید شده است که در صورت لزوم و به منظور جلوگیری از اعمال فشار بر مردم آسیب پذیر، شامل زنان و کودکان، امکان لغو این تحریم ها وجود دارد.

هیچ یک از این رده بندی ها دایمی نیستند. تمامی کشورها، شامل ایالات متحده، می توانند کارهای بیشتری انجام دهند، و تمام کشورها باید تلاش های خود در راستای مبارزه با قاچاق انسان را ادامه دهند و تقویت کنند.

ورود به دهه دستیابی به نتایج
مسئولیت دولت ها

لورا جرمینو از ائتلاف کارگران ایموکالی، به نمایندگی از 9 قهرمان مبارزه با قاچاق انسان که نامشان در گزارش TIP سال گذشته ذکر شده است، گفت: "ما خود و تلاش های مستمر خود را وقف مبارزه مشترکمان برای ریشه کن کردن برده داری از سطح زمین کرده ایم. هدف ما از این مبارزه، ایجاد رده بندی صفر برای کشورها است."

عاملی که هر سال به قهرمانان انگیزه می دهد، نه رده بندی کشورها، بلکه آرمان آنها برای ایجاد جهانی بدون برده داری است. برخی برای مبارزه با عوامل ریشه ای تلاش می کنند – پایان بخشیدن به سواستفاده های جنسی با هدف کسب درآمد، پایان بخشیدن به فشارهای دایمی ناشی از کاهش قیمت ها که اغلب سبب می شود شرکت ها در زنجیره تامین کالای خود از نیروی کار اجباری استفاده کنند، و فراهم کردن گزینه هایی برای زنان و دختران تا بدین ترتیب مهاجرت های مخاطره آمیز تنها انتخاب پیش روی آنها نباشد. دیگران نیز با به خطر انداختن امنیت خود، برای ایجاد نظام قضایی مسئولیت پذیرتر و یا بازسازی اعتماد مردان، زنان و کودکان قربانی قاچاق انسان در تلاشند. آنها با شایستگی و به صورتی شرافتمندانه تلاش می کنند تا نارسایی های موجود را به علت کوتاهی های مشترک ما در زمینه انسانیت و حکومترانی برطرف سازند و جهانی ایجاد کنند که در آن به تلاش های قهرمانانه آنها نیازی نباشد.

جنبش نوپای جهانی ریشه کن کردن بردگی دارای چنین نگرشی است. اما نحوهٔ نگرش دولت ها چیست؟

پروتکل پالرموی سازمان ملل و قانون TVPA ایالات متحده به دولت ها کمک می کنند تا با ابزارهای مورد نیاز برای مبارزه با این پدیده آشنا شوند. گزارش TIP سال 2010 پیشرفت های حاصل شده را طی یک دهه گذشته با جزئیات و به صورت دقیق مورد بررسی قرار داده است: افزایش تصویب قوانینی که تمامی انواع قاچاق انسان را غیرقانونی اعلام می کند؛ افزایش آگاهی های عمومی و مسئولیت پذیری در زمینه خرید هرگونه کالایی که ممکن است در تهیه و تولید آن از انسانی دیگر سواستفاده شده باشد؛ و تصویب پروتکل پالرمو توسط 142 کشور و پایبندی آنها به سه اصل اساسی جلوگیری از قاچاق انسان، تعقیب و محاکمه قاچاقچیان، و محافظت از قربانیان نجات یافته.

نخستین دههٔ پس از تصویب پروتکل پالرموی سازمان ملل را می توان به عنوان زمانی توصیف کرد که طی آن چهارچوب های لازم ایجاد و قوانینی تصویب شدند که به طور خاص بر ممنوعیت و غیرقانونی بودن قاچاق انسان تاکید داشتند و ساختارهای لازم را جهت کمک به قربانیان ایجاد کردند. اکنون زمان یک واکنش قدرتمند جهانی که ریشه در تقویت اجرای این چهارچوب های قانونی در سطوح ملی داشته باشد فرارسیده است. واکنش دولت ها باید دربرگیرنده پیگیری موارد قاچاق انسان تا آخرین مرحله سواستفاده از قربانیان باشد و در مراحلی وارد عمل شوند که بیشترین نتیجه را داشته باشد. این امر با اقداماتی که دولت ها انجام می دهند، همخوانی دارد: آنها ویزا صادر و بر فعالیت های بازرگانی نظارت می کنند، در مورد موافقتنامه های بازرگانی گفتگو می کنند، و بر خدمات اجتماعی و برخورد قضایی با جنایات نظارت دارند. در جهان پس از تصویب پروتکل پالرمو، تمامی این اقدامات باید بازتاب دهنده سه اصل اساسی باشند و آزادی های تصریح شده در بند چهار اعلامیه جهانی حقوق بشر را تضمین کنند.

این اصول به طور کامل و شفاف در پروتکل پالرمو و حداقل معیارهای مشخص شده برای مبارزه با قاچاق انسان در TVPA بیان شده اند؛ حداقل معیارها را می توان در صفحه 404 مطالعه کرد. دولت ها می توانند میزان پایبندی خود به این اصول را با پاسخگویی به سه سوال ساده زیر ارزیابی کنند:

- آیا دولت تمامی انواع قاچاق انسان را ممنوع و غیرقانونی اعلام کرده و مجازات هایی متناسب با میزان جرم را برای عاملان در نظر گرفته است؟

طبق پیمان سازمان ملل در زمینه مبارزه با جنایات سازمان یافته فرا مرزی، حداکثر مجازات کیفری تعیین شده توسط دولت ها نباید کمتر از چهار سال زندان باشد. مجازات تعیین شده برای قاچاق جنسی باید با مجازات تعیین شده برای تجاوز جنسی و سایر جنایات جدی برابر باشد.

- آیا دولت از قوانین خود برای بازرسی و تعقیب قضایی قاطع در زمینه تمامی انواع قاچاق انسان که در کشور وجود دارد، استفاده می کند؟

بسیاری از کشورها مراحل تعقیب قضایی و محاکمه قاچاقچیان را به طور جدی و کامل پیگیری نمی کنند و یا برخی از انواع خاص قاچاق انسان، مانند کار اجباری مردان و پسران را نادیده می گیرند. برخی از کشورها نیز اقدامات قانونی خود را تنها به قربانیان خارجی قاچاق انسان و یا شهروندان خود محدود می کنند. این کوتاهی ها در گزارش مربوط به هر کشور ذکر شده و در دسته بندی کشورها تاثیر دارد.
و در نهایت،

- آیا دولت هر کاری را که از دستش برمی آید برای محافظت از قربانیان و جلوگیری از قاچاق انسان انجام می دهد؟

دولت های مختلف در سرتاسر جهان متعهد شده اند که از قربانیان محافظت کنند، با این حال، بسیاری از قربانیان همچنان مفقود می شوند و یا بدتر از آن، قربانیان پس از پیدا شدن شناسایی نمی شوند، و این خود سبب وارد آمدن آسیب های بیشتری به آنها می شود. فرایند قدرتمند شناسایی و توانبخشی به

قربانیان، امری است که بیش از هر چیزی به آن نیاز است، ولی کمبود آن بیش از هر چیز دیگری احساس می شود.

جلوگیری

در سال 1904 دولت های مختلف موافقت کردند که برای جلوگیری از "قاچاق برده های سفیدپوست" با یکدیگر همکاری کنند. اکنون، بیش از 100 سال پس از آن تاریخ، قاچاقچیان به یافتن قربانیان جدید ادامه می دهند و در بسیاری از حوزه های قضایی، بدون هیچ مجازاتی فعالیت می کنند. افزایش آگاهی عمومی در مورد قاچاق انسان – شامل آشنایی با علائم هشداردهنده و اقدامات مقتضی – نقشی بسیار مهم دارد و باید ادامه یابد. اما اطلاع رسانی عمومی تنها یک بخش از فرایند پیشگیری را تشکیل می دهد. عوامل کلی تاثیرگذاری در حیطه کنترل دولت ها وجود دارد که می تواند و باید تغییر یابد. به عنوان مثال، بسیاری از دولت های کشورهای در حال توسعه نیروی کار خود را تشویق به مهاجرت می کنند تا آنها با ارسال درآمد خود، میزان ورود ارز خارجی به کشور را افزایش دهند. اما این دولت ها نظارت کافی و دقیقی بر شرکت های خصوصی کاریابی – که از مهاجران سواستفاده می کنند و آنها را در معرض خطر قاچاق انسان قرار می دهند – ندارند. تلاش های بیشتر برای قانونمند کردن و نظارت بر اینگونه کاریابی ها و سایر عوامل تاثیرگذار، می تواند منجر به قطع دسترسی قاچاقچیان به افراد آسیب پذیر و همچنین جلوگیری از ادامه فعالیت های غیرقانونی آنها برای کسب درآمد شود. هر دولت با پذیرش "نقش خاص خود در برده داری" و مقابله با آن – خرید و تهیه کالاها و خدماتی که توسط کار اجباری کارگران ساخته شده و یا ارائه می شود – می تواند سیاست های اقتصادی ای را که زمینه ساز ادامه برده داری مدرن می شوند به طور گسترده ای تغییر دهد.

دولت: تاکید بر تقاضا

تقاضا برای کالاها، خدمات، نیروی کار و رابطه جنسی ارزان قیمت، فرصت را برای سواستفاده از افراد آسیب پذیر فراهم می کند. و قاچاق انسان بر مبنای همین تقاضا رونق می یابد. انسان ها برای برآورده ساختن نیاز و تقاضای خریداران، در داخل کشورها و یا به صورت فرا مرزی، مانند کالا خرید و فروش می شوند. فقر، بی کاری، نبود فرصت، تحولات اجتماعی و بی ثباتی سیاسی سبب تقویت توانمندی های قاچاقچیان برای بکارگیری قربانیان تازه می شود، اما این عوامل به خودی خود عامل قاچاق انسان به شمار نمی روند. واقعیات اقتصادی حاکی از آن است که هدف از قاچاق انسان، کسب سود است. اگر هیچ کس برای ارضاء جنسی پولی نمی پرداخت، قاچاق جنسی نیز وجود نداشت. اگر هیچ کس کالاهایی را که در ساختن آنها از کار اجباری کارگران استفاده شده است، نمی خرید، پدیده کار اجباری در تولید منسوخ می شد. فعالان مبارزه با قاچاق انسان به طور روزافزونی در حال تلاش برای مبارزه با برده داری مدرن از طریق از میان بردن تقاضا – به جای تاکید صرف بر دستگیری و محاکمه قاچاقچیان – هستند.

دولت ها وظیفه دارند قاچاقچیان را محاکمه و به قربانیان کمک کنند، اما دولت ها در عین حال مصرف کنندگان بسیار بزرگی نیز هستند که سالانه صدها میلیارد دلار صرف خرید کالاها و خدمات مختلف، از ساخت و ساز گرفته تا تسلیحات و وسائل اداری و تجهیزات فن آوری، می کنند. به همین دلیل آنها می توانند تاثیری جدی بر بازار تقاضا داشته باشند. دولت ها باید زنجیره تامین کالای خود را

مورد بازنگری قرار دهند و به طور گسترده ای برای کاهش موارد سواستفاده از افراد آسیب پذیر تلاش کنند.

دولت ها می توانند اقدامات بسیاری در راستای مبارزه با تقاضا انجام دهند. به عنوان مثال، آنها می توانند پیمانکاران دولتی و پیمانکاران دست دوم را موظف کنند تا اطمینان حاصل شود که کارمندان آنها با فریب و یا از طریق دریافت وجوه اضافه جذب و استخدام نشده اند. اتخاذ این سیاست ها سبب افزایش شفافیت می گردد و موجب می شود که واسطه های کاریابی بی توجه به اصول اخلاقی نتوانند از پدیده کار به ازای پرداخت بدهی برای فراهم کردن نیروی کار ارزان برای قراردادهای دولتی استفاده کنند. این امر خصوصاً در مورد شهروندان کشورهای جهان سوم بسیار مهم است؛ زیرا اغلب آنها را برای طرح های ساختمانی بزرگ وارد کشورهای دیگر می کنند و آنها به علت فاصله زیاد و تنها بودن، موانع زبانی، و وابستگی به کارفرما برای دریافت ویزا و اجازه کار و سایر عوامل، در برابر سواستفاده آسیب پذیرتر هستند. همکاری بین بخش های خصوصی و دولتی که سبب ایجاد شفافیت در زنجیره تامین کالا می شود، می تواند تاثیری چشمگیر بر کاهش تقاضا داشته و به آزادسازی فعالیت های بازرگانی بخش های دولتی و خصوصی کمک کند.

دولت ها می توانند با اتخاذ سیاست های "عدم مدارا" با کارمندان دولت و پیمانکارانی که در قاچاق انسان مشارکت دارند و یا زمینه های وادار کردن قربانیان به بردگی جنسی را فراهم می کنند، با تقاضا برای روابط جنسی در ازای پول مبارزه کنند. این سیاست ها باید به طور شفاف تصریح کند که شرکت های پیمانکار و پیمانکاران دست دوم موظف هستند که به کارمندان خود در مورد اقدامات غیرقانونی هشدار دهند، و دولت ها باید مجازات هایی برای نقض این قوانین در نظر بگیرند – که می تواند شامل فسخ قرارداد و/ یا جلوگیری از انعقاد قرارداد آن شرکت با دولت در آینده باشد. این سیاست ها سبب می شود تا شرکت ها، که بسیاری از آنها در صورت جریمه شدن، قراردادهایی چندین میلیون دلاری را از دست خواهند داد، انگیزه ای جدی برای حصول اطمینان از این موضوع داشته باشند که کارمندان و پیمانکاران دست دوم طرف قرارداد با آنها، به هیچ طریقی در ایجاد تقاضا برای قاچاق جنسی نقش ندارند.

گرچه ممنوع کردن قاچاق انسان در تمامی قراردادهای دولتی، گام نخست و مهمی در این راستا به شمار می رود، اما این سیاست های جدید بدون اقدامات و پیگیری های مناسب بعدی، نتیجه ای نخواهد داشت. دولت ها باید منابع لازم را درجهت آموزش، کمک های تخصصی، و بازرسی فراهم کنند تا بدین وسیله اطمینان حاصل کنند که قاچاق انسان به طور کامل از زنجیره تامین کالا و خدمات آنها حذف شده است.

به آنچه که می خورید، دقت کنید: برده داری و غذا

تصاویر گرد و خاک زدهٔ بردگانی که در حال کار در مزارع هستند، در کتابخانه ها و دیوارهای موزه ها به چشم می خورد. اما امروز نیز تقاضا برای کالاهای ارزان در اقتصاد جهانی شده، سبب ادامه برده داری در مزارع و کشتزارها می شود. برده داری بین قاره ای و بازرگانی سه جانبه، عوامل رونق امپراتوری های بازرگانی اروپا و قاره آمریکا در گذشته بودند. اما سازمان بین المللی کار (ILO) تخمین می زند که 60 درصد از کار کودکان در سرتاسر جهان مربوط به بخش کشاورزی است، و بیشترین

موارد در فهرست کالاهای تولید شده توسط کار کودکان و یا کار اجباری که توسط وزارت کار ایالات متحده (DOL) منتشر شده است، به محصولات کشاورزی تعلق دارد.

از مزارع کاکائو در آفریقای غربی گرفته تا مزارع پنبه در ازبکستان و کشتزارهای گوجه فرنگی در ایالات متحده، این شیوه جدید برده داری همچنان در صنعت کشاورزی رواج دارد و در آن از روش هایی استفاده می شود که به هیچ عنوان نمی توان نام مدرن بر آن نهاد. به گفته DOL ممکن است تعداد کودکان وادارشده به کار اجباری در مزارع بیشتر از تعداد این کودکان در بخش تولید باشد. در برخی از کشورها، خصوصاً در آسیای جنوبی، خانواده های کشاورزان همچنان در دوران کنونی نیز بدهی های به جامانده از اجداد خود را که ممکن است در طول چندین نسل منتقل شده باشد، به ارث می برند. همچنین طبق گزارش ها، برده داری بر روی سطح اقیانوس ها نیز رواج دارد و در برخی از مناطق کار اجباری در صنعت ماهیگیری بسیار رایج است.

هم شرکت های بازرگانی و هم دولت ها نقش مهمی در ریشه کن کردن برده داری در طول زنجیره تامین کالا و خدمات ایفا می کنند. در دوران کنونی که مصرف کنندگان به طور روزافزونی آگاه تر شده اند، شرکت ها باید در زمینه ردیابی مواد خام خود و نظارت بر زنجیره تامین کالا و خدمات خود با دقت بیشتری عمل کنند. دولت ها نیز باید تلاش بیشتری در راستای اجرای قوانین و مقررات کنونی انجام دهند. با تصویب قوانین جدید، ردیابی مواد خام از یک اقدام شایسته داوطلبانه به وظیفه ای قانونی تبدیل می شود. شرکت های فعال در تمامی صنایع، اکنون با فشارهای روزافزونی برای توجه به شرایطی که طی آن مواد خام مورد نیاز آنها تولید و تهیه شده است، روبرو هستند.

ترویج ضوابط بازرگانی

در اقتصاد جهانی شده امروز اغلب تداخل های پیچیده ای بین فعالیت های بازرگانی قانونی و فعالیت های غیرقانونی مرتبط با قاچاق انسان وجود دارد. بخش خصوصی به طور روزافزونی در حال پذیرش نقش خود در ریشه کن کردن قاچاق انسان؛ هم در زمینه اقدامات پیشگیرانه جهت حصول اطمینان از این موضوع که شرکت ها باعث افزایش تقاضا برای کار اجباری نمی شوند، و هم در زمینه طرح هایی برای تسکین و بهبود قربانیان این سواستفاده ها است. همچنین افکار عمومی نیز به طور فزاینده ای خواستار اطلاع یافتن از این موضوع است که مواد غذایی و کالاها در چه مکانی و چگونه تولید و یا ساخته شده، فراوری شده، و توزیع شده اند. مصرف کنندگان، فعالان و سرمایه گذاران از شرکت ها می خواهند تا اصول رفتارهای اخلاقی را امضا کنند و به اجرا بگذارند.

شرکت های بازرگانی در حصول اطمینان از این موضوع که در تولید کالاهایی که ما خریداری می کنیم از کار اجباری استفاده نشده است، نقشی بسیار تعیین کننده ایفا می کنند. با این حال، با توجه به پیچیدگی زنجیره تامین کالا در دوران کنونی، کارآمدترین راهکارها برای پایان بخشیدن به کار اجباری در اثر همکاری بین دولت ها، شرکت ها، جوامع مدنی و مصرف کنندگان حاصل خواهد شد. برخی از موارد اخیر همکاری های چندجانبه برای مبارزه با برده داری در طول زنجیره تامین کالا و خدمات، بسیار امیدبخش بوده است.

گروه مشاوره ای (CG) برای ریشه کن کردن استفاده از کار کودکان و کار اجباری در تولید محصولات کشاورزی وارداتی، در چهارچوب سیاست های کشاورزی و زراعی سال 2008 ایجاد شد و هدف از

تاسیس آن، ارائه توصیه هایی به وزیر کشاورزی ایالات متحده در ارتباط با رهنمود ها بود تا ازاحتمال ورود محصولات کشاورزیکه در تولید آنها از کار اجباری استفاده شده است، به ایالات متحده ماسته شود. این گروه مشاوره ای از اعضا و نمایندگان دولت، صنایع، جوامع مدنی، و موسسه های تحقیقاتی و آموزش عالی تشکیل شده است. آنها با استفاده از تخصص و تجربه خود در کنار یکدیگر توانستند مجموعه ای از رهنمودهای داوطلبانه را برای صنایع تدوین کنند که شامل موثرترین راهکارها برای نظارت، بازرسی و تایید، انجام اصلاحات و ایجاد شفافیت توسط یک نهاد بی طرف مستقل است. این مجموعه رهنمود ها در تارنمای زیر در دسترس است: http://go.usa.gov/D8n

طبق قانون شفافیت در زنجیره کالا در کالیفرنیا در سال 2010، فروشگاه ها و تولیدکنندگان در کالیفرنیا موظفند تلاش های خود برای از میان بردن برده داری و قاچاق انسان در طول زنجیره مستقیم تامین کالا و خدمات توسط خود را به طور آشکار منتشر کنند. این قانون شامل فروشگاه ها و تولیدکنندگانی می شود که میزان ناخالص فروش جهانی سالانه آنها بالغ بر یکصد میلیون دلار است. و بدین ترتیب این قانون بیش از 3،000 شرکت فعال در کالیفرنیا را در برمی گیرد. در حدود 87 درصد از فعالیت های اقتصادی در ایالات کالیفرنیا – که هشتمین اقتصاد بزرگ دنیا را در اختیار دارد – توسط این شرکت ها انجام می شود. از ژانویه سال 2012 شرکت هایی که این قانون شامل آنها می شود، باید در تارنمای خود اعلام کنند که چه سیاست هایی را برای حصول اطمینان از عدم استفاده از برده داری و کار اجباری در زنجیره تامین کالا و خدمات خود به کار می گیرند. این سیاست ها می تواند ارزیابی خطرهای ناشی از قاچاق انسان و مقابله با آن، بازرسی از تامین کنندگان کالا و خدمات، و آموزش کارمندان و مدیران در زمینه قاچاق انسان و برده داری را شامل باشد. متن قانون کالیفرنیا را می توانید در تارنمای زیر مطالعه کنید: http://go.usa.gov/D8n

مردم وثیقه نیستند

یکی از رایج ترین باورها در مورد قربانیان "معمولی" قاچاق انسان این است که آنها متعلق به فقیرترین و منزوی ترین جوامع هستند. مطالعات در مورد مردم کشورهای مبدا قاچاق انسان به صورت داخلی و فرا مرزی، نشان داده است که پدیده قاچاق انسان در بین کسانی بیشترین رواج را دارد که جایگاه و قدرت کافی برای خواستن یک زندگی بهتر را به دست آورده اند، اما گزینه های محدودی برای جامه عمل پوشاندن به این خواسته های خود در اختیار دارند. آنها در مدرسه دخترانه تحصیل کرده اند، و اکنون می بینند که تحصیلات آنها بیشتر از آن است که انتخاب های محدود موجود در روستا پاسخگوی خواستهاشان باشد. آنها افرادی را می بینند که با پول به خانه و نزد خانواده خود بازگشته اند. آنها برنامه های تلویزیونی را دیده اند که شور و هیجان زندگی شهری را نمایش می دهد، و یا آنها به سادگی این شهامت را دارند که برای دستیابی به یک زندگی بهتر تلاش کنند، تنها نمی دانند که این تلاش را از کجا باید آغاز کنند.

و این همان جایی است که قاچاقچیان وارد صحنه می شوند. آنها با سواستفاده از بی اطلاعی مخاطبان خود، تامین یک شغل خوب، یک زندگی بهتر و فراهم کردن امکان انتقال آنها را پیشنهاد می کنند. آنها از امید و توانایی غریزی قربانیان خود به منظور بهره مند شدن از فرصتی برای یک زندگی بهتر سواستفاده می کنند. آنها از اطمینان و اعتماد قربانیانشان به توانایی های خود برای موفقیت، سواستفاده می کنند. آنها انسان هایی را پیدا می کنند که هیچ چیزی در زندگی ندارند و وادارشان می کنند تا از زندگی و آزادی خود به عنوان وثیقه ای برای تضمین یک زندگی بهتر استفاده کنند. در عین حالی که

طرح های جامع اقتصادی را نمی توان به طور خودکار به عنوان طرح هایی در راستای جلوگیری از قاچاق انسان در نظر گرفت، دولت ها باید هنگام برنامه ریزی برای کاهش آسیب پذیری مردم در برابر برده داری مدرن، مساله نابرابری در دسترسی به سرمایه را نیز در نظر داشته باشند. کارگران مهاجر برای تضمین دستیابی به شغل در کشورهای خارجی، نباید مجبور باشند زیر بار بدهی به واسطه های کاریابی بروند؛ بلکه دولت ها می توانند وام های کوچکی برای تامین هزینه های سفر به این کارگران بدهند و هنگامی که آنها در کشورهای خارجی مشغول به کار هستند از حقوق آنها محافظت کنند. نباید تمامی افراد یک دهکده به علت بدهی به جا مانده از اجداد خود مجبور به کار اجباری شوند؛ بلکه دولت ها می توانند راهکارهای قانونی جایگزینی را برای ارائه اعتبار به این افراد فراهم کنند و قوانینی را که کار اجباری به ازای بدهی های به جا مانده از نسل های پیشین را ممنوع می کند – قوانینی که چندین دهه پیش تصویب شده اند – اجرا کنند.

تاریخ معاصر نشان داده است که وام ها و اعتبارات کوچک می تواند وضعیت زنان را بهبود بخشد، امکان تغذیه بهتر را فراهم کند، دسترسی به مراقبت های بهداشتی و امکان تحصیل را افزایش دهد، و دسترسی جوامع به اعتبارات مالی را گسترش دهد. طرح های ارائه وام های کوچک هنگامی که با برنامه های هدفمند مبارزه با قاچاق انسان ترکیب شود، می تواند نقش یک عامل رهایی بخش را برای قربانیان ایفا و فرصت های مطمئن و امکان توانبخشی همراه با آینده ای تضمین شده را توسط این وام ها برای قربانیان فراهم کند. ارائه وام های کوچک راه حل منحصر به فرد به شمار نمی رود، از زندانی کردن قاچاقچیان و توزیع درآمدهای غیرقانونی آنها بین قربانیانشان، ممکن است به عنوان مرحله نهایی برنامه چشم پوشی از بدهی ها از آن استفاده شود.

اعزام و پذیرش: چالش نیروی کار در یک جامعه جهانی

مهاجران در برابر پدیده برده داری مدرن آسیب پذیر هستند. زنان با آرزوی دستیابی به زندگی بهتر و یافتن شغل هایی مانند خدمتکاری و پیشخدمتی، سفر می کنند، اما در نهایت وادار تن فروشی و یا کار اجباری در خانه ها می شوند. کارگران – از طریق شیوه های متعدد و در نتیجه هزینه های مهاجرت و کاریابی – وادار به کار به ازای پرداخت بدهی هایشان می شوند. و این تنها شامل مهاجرت غیرقانونی نیست؛ در طول یک سالی که در گزارش TIP 2011 تحت پوشش قرار گرفته است، مواردی در سرتاسر جهان وجود داشته است که قربانیان به گونه ای قانونی به کشورهای مقصد سفر کرده و پس از ورود به این کشورها وادار به کار اجباری شده اند.

طبق آمارهای بانک جهانی و سازمان بین المللی مهاجرت، تعداد مهاجران بین المللی در جهان طی چند دهه گذشته به طور چشمگیری افزایش یافته است: 215 میلیون نفر در سال 2010 در مقایسه با 191 میلیون نفر در سال 2005. طبق تخمین، میزان پول های ارسال شده توسط کارگران مهاجر به کشورهایشان در سال 2010 بالغ بر 440 میلیارد دلار بوده است (در مقایسه با 275 میلیارد دلار در سال 2005)، که 325 میلیارد دلار از این مبلغ به کشورهای در حال توسعه ارسال شده است (در مقایسه با 192 میلیارد دلار در سال 2005). در سال 2009، پول های ارسال شده توسط کارگران بخش عمده ای از درآمد ناخالص داخلی کشورهای کوچک تر را تشکیل می داد: نسبت پول های ارسال شده توسط نیروی کار خارج از کشور به درآمد ناخالص داخلی در تاجیکستان، 36 درصد (بیش از همه کشورها)؛ در تونگا، 28 درصد؛ در لسوتو، 25 درصد؛ در مولداوا، 31 درصد، و در نپال، 23 درصد بود.

در حالی که مهاجرت ابزاری مهم برای توسعه اقتصادی، هم در سطح شخصی و هم در سطح ملی، به شمار می رود، نیاز مبرمی به تقویت همکاری ها و به معیارهای بین المللی برای مدیریت مهاجرت نیروی کار وجود دارد. به گفته IOM، اغلب کشورهای جهان – و نه تنها کشورهای در حال توسعه – اکنون دارای توانمندی های کافی برای مدیریت موثر جابجایی های بین المللی مردم نیستند. گستردگی روزافزون و رشد چشمگیر شرکت ها و اشخاص فعال در زمینه کاریابی که تنها به کسب سود می اندیشند و در سطحی بین المللی فعالیت می کنند، به این معناست که مهاجران در دنیای امروز در برابر طیف متنوعی از سواستفاده ها شامل شرایط کار اجباری و قاچاق جنسی، آسیب پذیر هستند.

می توان گفت تقریباً نظارتی بر مهاجرت های بین المللی وجود ندارد. در بهترین حالت، این مهاجرت ها تحت موافقتنامه های دوجانبه – که میزان اجرای مفاد آن متغیر است – و یادداشت های غیرالزام آور تفاهم دوجانبه یا موافقتنامه های منطقه ای انجام می شود. در بدترین حالت نیز این مهاجرت ها تحت کنترل واسطه های کاریابی بی توجه به اصول اخلاقی انجام می گیرد که فریبکاری ها و هزینه های اضافی تحمیل شده توسط آنها می تواند به سرعت مهاجران را در شرایط کار اجباری به ازای پرداخت بدهی قرار دهد.

حتی هنگامی که سیاست های مناسب برای مهاجرت قانونی نیروی کار وجود دارد، دولت ها باید از محافظت مهاجران در کل فرایند مهاجرت آنها اطمینان حاصل کنند. در موارد امضای یک موافقتنامه هایی بین دو دولت (که به طور روزافزونی بین کشورهای اعزام کننده نیروی کار و کشورهای پذیرای نیروی کار رواج یافته است)، این موافقتنامه ها نباید سبب کمرنگ شدن لزوم محافظت از کارگران در قالب برنامه های "ضمانت" و یا "نیروی کار میهمان" شود. هنوز کارهای بسیار زیادی باید انجام گیرد تا از سواستفاده های بعدی از کارگران مهاجر در چهارچوب این برنامه ها نیز جلوگیری شود. تعداد بسیار زیاد موارد مستند سوءاستفاده از کارگران ساده و بدون مهارت خاص – خصوصاً مستخدمان داخل خانه ها – در سرتاسر خاورمیانه نشان دهنده این آسیب پذیری کارگران است، و در عین حال نشان می دهد که تضمین منطقی مهاجرت امن کارگران، کاری دشوار است.

همانگونه که در گزارش TIP سال 2010 تاکید شده است، تعداد رو روزافزونی از کارگران مهاجر در سرتاسر جهان را زنان تشکیل می دهند، و این زنان برای یافتن شغل هایی که در حال حاضر خارج از حیطه معمول محافظت از نیروی کار قرار دارد – مانند کار در خانه ها – مهاجرت می کنند. مهاجرت گسترده زنانی که در خانه ها کار می کنند از کشورهایی مانند اندونزی و نپال به کشورهای حاشیه خلیج فارس و مالزی، با توجه به عادی بودن سواستفاده های فیزیکی و جنسی از مستخدمین و عدم محافظت از زنان مستخدمی که مورد سواستفاده قرار گرفته اند، به خود خود امری خطرناک است. بسیاری از دولت ها با توجه به این نگرانی ها در مورد سواستفاده از مهاجران، محدودیت هایی در مورد کارگران آسیایی در خاورمیانه و یا در کشورهای شرق آسیا اعمال کرده اند. این موارد سوء استفاده به سادگی رخ نمی دهد، زیرا در سوی دیگر آنها یک رئیس سواستفاده گر قرار دارد. بسیاری از مشکلات، ساختاری هستند. شرکت ها و واسطه های کاریابی – چه دارای مجوز فعالیت و چه غیرمجاز – به طور روزافزونی فرایند مهاجرت بین المللی نیروی کار را تحت کنترل خود گرفته اند. گسترش چشمگیر بازار این فعالیت ها به جای آنکه سبب تقویت رقابت و کارآیی – که برای کارگران و کارفرمایان احتمالی نیز سودمند خواهد بود – شود، تاثیری استثمارگرانه داشته است.

دریافت هزینه های گزاف و اضافی برای کاریابی و استخدام و تطمیع و فریب دادن کارگران با وعده دستیابی به شغل هایی که به طور کلی با شغل های واقعی در نظر گرفته شده برای آنها متفاوت است، و یا شغل هایی که اصلاً وجود ندارد، از موارد بسیار رایج به شمار می رود. در بدترین حالت، این سواستفاده ها می تواند منجر به شرایط کار اجباری، همراه با محدودیت رفت و آمد کارگران، عدم پرداخت حقوق، تهدید، و سواستفاده های فیزیکی و جنسی شود که تمامی این موارد به علت هزینه سنگین تحمیل شده به کارگران طی فرایند کاریابی و استخدام اتفاق می افتد.

طی یک سال تحت پوشش گزارش TIP 2011، رویکرد نگران کننده ای به چشم می خورد: مواردی که طی آن مستخدمان خانگی که به عنوان کارگر میهمان مشغول به کار بوده اند. آنها پس از آنکه در خانه های محل کار خود مورد سواستفاده جنسی قرار گرفته اند، توسط کارفرمایان خود به اشخاص ثالثی تحویل داده شده اند تا وادار به تن فروشی شوند. این کارگران به دلیل قوانین محدودکننده در مورد کارگران میهمان و بدهی های تحمیل شده به آنها قادر به درخواست کمک نیز نبوده اند.

احتمال اینگونه سواستفاده ها وجود دارد، زیرا فشارهای مالی ناشی از هزینه های کاریابی و استخدام هیچ تناسبی با خدمات ارائه شده به کارگران ندارد و یا در صورتی که هیچ مشکلی پیش نیاید، قسمت عمده درآمد کارگران صرف پرداخت این هزینه ها می شود، و به همین دلیل روابط بین کارگر و کارفرما از حالت عادی خارج می شود. برخی مواقع، موثرترین تهدید از طرف کارفرمایانی که می خواهند ترس را در دل کارگران خارجی خود نگه دارند، این است که به آنها اجازه کار کردن نخواهند داد. کارگران میهمان اغلب اجازه اشتغال به کار در مکان های بیرونی را ندارند، و ممنوعیت اشتغال به کار به معنای آزادی نیست، و می تواند به خود خودعامل اجبار و تهدید باشد و به همین دلیل هدف پروتکل پالرمو جلوگیری از این ممنوعیت ها است. به عنوان مثال، هنگامی که کارگران دستمزد کار خود را می خواهند و حتی هنگامی که خواستار دریافت غذای کافی برای زنده ماندن هستند، کارفرمایانشان اغلب تهدیدشان می کنند که آنها را در خوابگاه ها ، که از آن نمی توانند برای یافتن شغلی در مکان های بیرونی تلاش کنند و تنها باید شاهد جمع شدن و افزایش بدهی های خود باشند، زندانی خواهند کرد.

دولت ها باید نظارت بیشتری بر واسطه های کاریابی خصوصی داشته باشند. اتحادیه های سازمان های خصوصی کاریابی – مانند BARIA در بنگلادش و ACRA در کامبوج – باید متعهد شوند که به تضمین های خود مبنی بر فراهم کردن زمینه های مهاجرت امن و قانونمند برای کارگران پایبند باشند. در صورتی که خود دولت، واسطه کاریابی است، انجام اقدامات تضمینی برای مبارزه با فساد ضرورت دارد و همچنین باید اطمینان حاصل شود که برای وادار کردن کارگران به همکاری هنگامی که در کشورهای خارجی هستند، از پلیس و نیروهای امنیتی کشور مبدا استفاده نخواهد شد. مجالس ملی قانونگذاری و نهادهای اجرای قانون باید قوانینی را تصویب و اجرا کنند که بین منافع واسطه های خصوصی کاریابی و حقوق کارگران نوعی تعادل ، خصوصاً حق گزارش موارد سواستفاده، بدون ترس از اخراج از کشور و یا انتقام جویی عاملان، برقرار می کند. و برخورد با موارد نقض این قوانین نیز نباید تنها به صورتهایی مانند تعلیق و یا جریمه بتنهایی باشد که می توان آن را به حساب هزینه های عادی یک فعالیت بازرگانی گذاشت، بلکه باید دربرگیرنده مجازات های کیفری نیز باشد.

سازمان های بین المللی اغلب از دو الگو به عنوان بهترین راهکارها نام می برند. در فیلیپین، شرکت های کاریابی از لحاظ قانونی نمی توانند بدون کسب اجازه از اداره استخدام در کشورهای خارجی فیلیپین (POEA)، به کارگران پیشنهاد کار در کشورهای خارجی را بدهند.

فعالیت های POEA – که اجازه تعلیق فعالیت های شرکت های کاریابی را دارد – شامل اطلاع رسانی و افزایش آگاهی ها در مورد قاچاق انسان با استفاده از سمینارهای راهنمایی پیش از استخدام و برنامه های مشاوره پیش از اعزام به کشورهای خارجی، برای متقاضیان استخدام در کشورهای خارجی است. طی سال گذشته، واسطه های کاریابی در فیلیپین، حتی هنگامی که موارد سواستفاده در خارج از این کشور رخ داده بود، تحت تعقیب قانونی قرار گرفته اند. کره جنوبی از یک الگوی پیشگیری از قاچاق انسان استفاده می کند که در آن، خود دولت کارگران را از 13 کشور خارجی استخدام می کند، کارفرمایان را موظف به آموزش و افزایش سطح آگاهی های کارگران می کند، و کشورهای اعزام کننده کارگران مهاجر را با توجه به نزدیکی به محل کار این کارگران، برگزیند. اما حتی با وجود این الگوها رویکردهای ملی و دوجانبه در زمینه مدیریت کارگران مهاجر در بهترین حالت تنها مشکلات سطحی را حل می کنند.

فرایند مستمر شناسایی قربانیان قاچاق انسان در بین مهاجران، نشان دهنده لزوم ایجاد یک چهارچوب قدرتمند جهانی برای مدیریت مهاجرت نیروی کار است. این چهارچوب مدیریت مهاجرت باید بر تسهیل سیاست های انسانی و نظام مند مهاجرت، که تمامی طرف ها از آن بهره مند می شوند، تاکید داشته باشد. این سیاست ها باید همانگونه که در چهارچوب چندجانبه ILO در زمینه مهاجرت نیروی کار پیشنهاد شده است، در سطوح ملی، منطقه ای و بین المللی اجرا شود. با توجه به ادامه افزایش مهاجرت نیروی کار، بدون ایجاد یک چهارچوب مناسب، سواستفاده از کارگران مهاجر به طور روزافزونی گسترش خواهد یافت.

پیگرد قضایی

اکثریت کشورهای جهان پروتکل پالرمو را تصویب کرده اند، که طبق آن موظف به ممنوع کردن قاچاق انسان و مجازات عاملان آن هستند. بیشتر این کشورها قوانین موثری تصویب کرده اند که بر اساس آن قاچاق انسان – همانگونه که در پروتکل پالرمو تعریف شده است – اقدامی غیرقانونی و مستوجب مجازات به شمار می رود. گرچه هنوز 62 کشور غیرقانونی بودن قاچاق انسان را تصویب نکرده اند، میزان کلی موارد تعقیب قضایی و محکومیت قاچاقچیان طی سه سال گذشته به طور پیوسته افزایش یافته است – از 5،212 پرونده و 2،893 محکومیت در سطح جهان در سال 2008، به 6،017 پرونده و 3،169 محکومیت در سال 2010).

متاسفانه، تعداد پرونده های قضایی تشکیل شده بسیار بیشتر از تعداد دستگیری ها و بازجویی ها است. و موارد موفقیت آمیز تعقیب قضایی پرونده های قاچاق جنسی نیز بسیار بیشتر از موارد موفقیت آمیز تعقیب قضایی پرونده های کار اجباری است. مقابله با کار اجباری، هم از لحاظ سیاسی و هم از لحاظ اجتماعی، می تواند بسیار دشوارتر باشد. بر خلاف قاچاق جنسی، اقدامات مرتبط با کار اجباری اغلب توسط کسانی انجام می شود که به عنوان اعضای محترم جامعه و یا مدیران بازرگانی موفق شناخته می شوند، و احتمال بازجویی از آنها بسیار کمتر از بازجویی از شخصیت های بی اعتباری است که در جنایات سازمان یافته دست داشته اند و یا به طور غیرقانونی در فرایند قاچاق جنسی مشارکت

دارند. علیرغم این موانع، تعداد روزافزونی از کشورها قادر به شناسایی، تعقیب قضایی، و محکوم کردن عاملان پرونده های کار اجباری بوده اند. این موفقیت ها در نتیجه تعهدات و اراده سیاسی، آموزش مستمر نیروهای اجرای قانون، و درک بهتر این مساله که قاچاق انسان، همان برده داری مدرن است، حاصل شده است. این موفقیت ها را می توان با اطلاع رسانی عمومی که سبب آشنا شدن مردم با تمامی ابعاد این جنایات می شود، و دادن اطمینان خاطر به گروه های آسیب پذیر مبنی بر این که در صورت در خواست کمک از آنها محافظت خواهد شد، تقویت کرد.

مصاحبه با قربانیان قاچاق انسان: برداشتن یک گام کوچک تاثیر فراوان دارد

تشکیل یک پرونده موثر علیه یک قاچاقچی انسان، به طور معمول نیاز به کمک و همکاری های مشخصی از جانب قربانی دارد. مسئولان اجرای قانون با بکارگیری راهبردهای هشیارانه مصاحبه با قربانیان، احتمال جلب اعتماد قربانیان و در نتیجه مشارکت آنها در فرایند پیگیری قضایی پرونده را افزایش می دهند.

بسیاری از قربانیان قاچاق انسان، برای ماه ها و سال ها از سواستفاده های جسمی و روانی، خارج شدن از محیط های آشنا، و تعامل منفی با نیروهای اجرای قانون و مقامات دولتی رنج برده اند. مسئولان اجرای قانون باید ترسی را که ممکن است قربانی داشته باشد، وضع احساسی شکننده او، و نیازهای فیزیکی او را در نظر بگیرند، و با توجه به این موارد با قربانی مصاحبه کنند.

در حالی که کارشناسان پلیس و واحدهای تشکیل پرونده می توانند از مهارت های توسعه یافته خود در زمینه مصاحبه استفاده کنند، شیوه های اساسی زیر در زمینه مصاحبه با در نظر گرفتن شرایط قربانی، می تواند برای هر شخصی سودمند باشد.

تسکین ترس ها. قاچاقچیان اغلب قربانیان خود را با سواستفاده از ترس آنها از اخراج از کشور توسط پلیس و یا مقامات اداره مهاجرت، وادار به ادامه خدمت می کنند. به همین علت، پس از شناسایی توسط نیروهای اجرای قانون، نخستین فکر یک قربانی اغلب نجات یافتن نیست، بلکه ترس نهانی از دستگیر شدن، اخراج از کشور، و انتقامجویی احتمالی قاچاقچی است. ممکن است اسیرکنندگان این قربانی ها داستان هایی ساختگی را نیز برای آنها تعریف کرده باشند. از همین رو اظهارات اولیه آنها اغلب یا ناکامل است و یا به دروغ قاچاقچی انسان را تبرئه می کند. کارآیی شیوه های زیر برای کمک به عدم مواجهه با این شرایط اثبات شده است:

- انجام مصاحبه در مکانی غیرتهدیدآمیز که قربانی در آن احساس راحتی می کند؛
- انجام مصاحبه بدون حضور افرادی که در عملیات آزادسازی قربانی مشارکت داشته اند (حتی حضور سایر قربانیان احتمالی نیز می تواند تاثیری منفی داشته باشد، و بدتر از آن احتمال حضور عاملان سواستفاده و همدستان آنها است که خود را در بین قربانیان قرار داده اند)؛
- هرگز جلوی قاچاقچیان با قربانی مصاحبه نکنید؛
- به قربانی توضیح دهید که موضوع مورد تاکید در مصاحبه، قاچاقچیان هستند، و نه قربانی؛
- حقوق قربانی، فرایند مصاحبه، و نقش تمامی افراد حاضر در مصاحبه را برای قربانی توضیح دهید؛

- اطلاعات پیشین و تجربیات خود را در زمینه پرونده های مشابه با قربانی در میان بگذارید؛
- اطلاعات به دست آمده در جریان مصاحبه را در کنار حقایق بیان شده در پرسش ها قرار دهید، و بدین ترتیب این احساس را در قربانی ایجاد کنید که مصاحبه کننده تحقیقات کاملی در زمینه فعالیت های قاچاقچیان انجام داده است و قاچاقچیان آزاد نخواهند شد و توانایی انتقام گرفتن از قربانی را نخواهند داشت؛
- به قربانی اعلام کنید که یک سازمان غیردولتی ارائه خدمات، برای قربانی سرپناه، مراقبت های بهداشتی و غذا فراهم خواهد کرد؛ و
- از قربانی بپرسید که آیا ترس و یا سوالی دارد.

توجه و احترام خود را نشان دهید. عمل کردن در جهت مخالف پیش فرض های قربانی و یا ترس او از نیروهای اجرای قانون، می تواند تنش ها را از میان بردارد و قربانی را تشویق کند که حقایق را بگوید. پلیس و ماموران دادستانی می توانند از شیوه های ساده زیر استفاده کنند تا نشان دهند که هدف آنها کمک است و نه دستگیری قربانی.

- لباس شخصی بپوشید و هیچ نشانه آشکاری از نیروهای اجرای قانون، مانند اسلحه همراه نداشته باشید؛
- غذا و آب و اقلام کوچکی مانند دستمال کاغذی را در اختیار قربانی قرار دهید و فرصت های منظم استراحت و مکانی را که قربانی بتواند در آن آرامش خود را به دست آورد برای قربانی فراهم کنید؛
- برای حصول اطمینان از ارتباط دقیق با قربانی، از یک مترجم حرفه ای که اسناد محرمانه نگاه داشتن گفتگوها را امضا کرده است، استفاده کنید. شما همچنین از این طریق اطمینان حاصل می کنید که همدستان قاچاقچی در مصاحبه حضور نیافته اند و جامعه محل زندگی قربانی نیز از این جنایات مطلع نمی شود؛
- درباره پیشینه فرهنگی قربانی شامل رسوم اجتماعی، مراسم مذهبی، شرایط جامعه، روابط نژادی، طرز لباس پوشیدن، و نگرش جامعه به تن فروشی، مطالعه کافی داشته باشید؛
- در صورت امکان، ترجیح قربانی را برای داشتن یک مترجم و یا مصاحبه کننده با جنسیت و یا فرهنگ خاص برآورده سازید.

نیازهای فیزیکی قربانی را برآورده سازید. در صورتی که نیازهای مبرم یک قربانی مانند نیاز به مراقبت های بهداشتی، غذا و خانه برآورده نشوند، ممکن است مشارکت کامل در مصاحبه برای قربانی کاری دشوار باشد. نیروهای اجرای قانون برای غلبه بر این مانع احتمالی می توانند در ابتدا مصاحبه کوتاهی با قربانی انجام دهند و پس از آنکه قربانی از کمک های یک سازمان غیردولتی کمک رسانی بهره مند شد، با او مصاحبه ای کامل تر داشته باشند. ماموران اداره مهاجرت و گمرک ایالات متحده اکنون هنگام اجرای عملیات نجات از پیش اعلام شده، بسته های آماده ای شامل پیراهن و شلوار راحت، لباس زیر، جوراب، و لوازم آرایش را همراه خود دارند و اغلب خانه هایی را برای قربانیان فراهم می کنند تا آنها بتوانند پیش از مصاحبه، در آنجا استراحت کنند و غذا بخورند. هماهنگی بین نهادهای اجرای قانون و سازمان های ارائه کمک می تواند بسیار سودمند باشد؛ زیرا بدین ترتیب سازمان های ارائه کمک می توانند هنگام عملیات از پیش برنامه ریزی شده در زمینه مبارزه با قاچاق انسان آمادگی لازم را داشته

باشند و نهادهای اجرای قانون نیز می توانند در هنگام عملیات سریع و برنامه ریزی نشده به خدمات قابل اطمینان این سازمان ها دسترسی داشته باشند.

در بهترین حالت، سازمان های غیردولتی را نیز می توان در برنامه ریزی عملیات یورش [به محل فعالیت قاچاقچیان] مشارکت داد تا بدین ترتیب آنها آمادگی لازم برای برقرار ساختن سریع تعامل سریع داشته باشند و بتوان از دانش آنها در زمینه مسائل فرهنگی و نژادی قربانی استفاده کرد.

موانع موجود در مسیر تعقیب و محاکمه: مفاهیم رضایت و اتهام

در بند 3(ب) پروتکل پالرمو تصریح شده است که رضایت قربانیان قاچاق در مورد سوء استفاده از آنها هنگامی که هر یک از مفاد و ابزارهای بیان شده مد نظر قرار گرفته شده باشند، جایی نخواهد داشت. چنین شیوه هایی می تواند شامل تهدید و یا استفاده از زور باشد و یا هر نوع اجبار، آدم ربایی، فریب، دروغگویی، سوء استفاده از قدرت و یا سوء استفاده از آسیب پذیر بودن قربانی، پرداخت و یا دریافت هرگونه وجه و یا سودی برای جلب رضایت شخصی که انسان دیگری را تحت کنترل خود دارد. به طور خلاصه، موافقت اولیه قربانیان با مهاجرت غیرقانونی و یا انجام هر کار خاصی – مانند کار در مزرعه و یا تن فروشی – نمی تواند توجیهی برای وادار ساختن آنها به انجام کاری خاص در آینده باشد. این اصل قانونی بر این پایه گذارده شده است که اصول اساسی حقوق بشر را نمی توان نادیده گرفت.

با این حال، در بسیاری از کشورها به علت عدم درک کامل مفاد پروتکل پالرمو و یا عدم پذیرش قاچاق انسان به عنوان برده داری نوین، قربانیان نیز به این علت که مورد قاچاق قرار گرفته اند، مقصر شناخته می شوند، و این امر سبب می شود که تشکیل پرونده و تعقیب قضایی با مشکل روبرو شود. این رویکرد به طور مستقیم در تقابل با این نگرش جدید قرار دارد که زور، فریب و اجبار، بر خواست و اراده قربانیان غلبه می کند. این مساله که افراد در موافقتنامه اولیه خود با واسطه های کاریابی، مسافرت و کار کردن را پذیرفته اند، اثبات نمی کند که آنها پس از مدتی نارضایتی خود از شرایط کاری ناگوار، حقوق ناچیز و یا عدم دریافت حقوق، و مورد تهدید و خشونت قرار گرفتن را اعلام نکرده اند. به همین ترتیب، این مساله که قربانیان قاچاق جنسی پیش از آن نیز به تن فروشی می پرداخته اند، به این معنا نیست که آنها با اعمالی مانند استفاده اجباری از مواد مخدر، داشتن رابطه جنسی محافظت نشده، سقط جنین اجباری، و یا داشتن رابطه جنسی به زور برای کسب درآمد مدیر مسئول خود موافقت کرده اند. در مورد کودکان نیز

صرفاً قاچاق آنها خود عملی خلاف قانون است، زیرا کودکان نمی توانند در این گونه شرایط رضایت خود را اعلام کنند.

مانع مشابه دیگری که در مسیر تعقیب قضایی پرونده های قاچاق انسان وجود دارد، این است که برخی از دولت ها شامل بسیاری از کشورهای آمریکای لاتین، برای تشکیل پرونده قضایی در زمینه قاچاق انسان، نیاز به دریافت شکایت و یا اعتراض از جانب شهروندان عادی دارند. در کشورهایی که میزان جنایات سازمان یافته و خشونت در آنها زیاد است، سازمان غیردولتی و یا شهروندان عادی که خود از قربانیان قاچاق انسان نیستند، اغلب به دلیل ترس از به خطر افتادن امنیت خود از ارائه شکایت در زمینه این موارد خودداری می کنند. قربانیان قاچاق انسان نیز به دلیل ترس از انتقام قاچاقچیان، عدم اطمینان از کمک نظام به آنها در مقابل قاچاقچیان، و یا تمایل به ناشناس ماندن، از شکایت رسمی خودداری می کنند. هنگامی که از قربانیان محافظت به عمل نمی آید، و یا این محافظت ها برای حفظ امنیت خود قربانی و خانواده او کافی و مناسب نیست، شکایت نکردن از قاچاقچیان ممکن است معقول ترین انتخاب باشد.

اما اگر نظام موجود در انتظار دریافت شکایت خصوصی باشد، و هیچ کس شکایتی نکند، آنگاه پرونده ای نیز تشکیل نخواهد شد و قاچاقچیان با مصونیت کامل به فعالیت های خود ادامه خواهند داد.

راهکار این مشکل، ایجاد نوعی نظام قضایی است که در آن مقامات بدون دریافت هیچ شکایتی از قربانیان و یا شهروندان عادی، تحقیق در مورد قاچاق انسان و تعقیب قضایی موارد قاچاق انسان را آغاز می کنند. این امر می تواند به صورت انجام بازرسی های پیشگیرانه از شبکه های جنایات سازمان یافته باشد، و یا امکان شکایت مدعی العموم، و نه قربانی، از قاچاقچیان انسان – مانند اصلاحات قانونی نوآورانه ای که به تازگی توسط دولت آرژانتین برای رسیدگی به پرونده های کار اجباری اعلام شده است.

محافظت

محافظت از قربانیان باید یکی از ارکان اصلی تلاش های هر دولتی برای مبارزه با قاچاق انسان باشد. هدف از محافظت، برآورده ساختن نیازهای ضروری قربانی و فراهم کردن امکان شکوفایی استعدادهای آنها به موازات حضور مجددشان در جامعه است. محافظت از قربانیان همچنین توانایی نظام قضایی برای

شناسایی و محاکمه قاچاقچیان را افزایش می دهد. محافظت کامل و واقعی از قربانیان بسیار فراتر از صرفاً امضای پروتکل پالرمو و تامین محافظت هایی است که تنها در کتاب های قانون به آنها اشاره شده است. محافظت باید دربرگیرنده شناسایی پیشگیرانه قربانیان؛ تامین بودجه ارائه خدماتی جامع بر مبنای درس های آموخته شده از قربانیان نجات یافته؛ اجرای برنامه های مهاجرت و تامین سرپناه که با فراهم کردن امکان انتخاب برای نجات یافتگان، توانمندی های آنها را تقویت می کند؛ و ارائه تضمین های قانونی برای محافظت از تمامی کارگران در هر سطحی باشد.

شناسایی پیشگیرانه قربانیان

بسیاری از دولت ها نیروهای اجرای قانون خود را در زمینه شناسایی قربانیان تحت آموزش قرار می دهند و سپس انتظار دارند که این نیروها همزمان با انجام وظایف روزانه خود و به طور تصادفی با قربانیان قاچاق انسان برخورد داشته باشند. اما واقعیت با این انتظارات تفاوت زیادی دارد. قربانیان معمولاً نمی توانند آنچه بر سرشان آمده را به زبان ساده بیان کنند، و بیان این مطلب به زبان تخصصی پروتکل پالرمو و یا قوانین ملی کشوری که در آن هستند، برایشان دشوارتر است؛ آنها به ندرت هویت خود را معرفی می کنند. قاچاق انسان بر اساس ماهیت خود همچنان یکی از مخفیانه ترین جرایم جهان به شمار می رود، و ممکن است یکی از جرایمی باشد که بیشترین سوء تعبیرها در مورد آن وجود دارد؛ افسران پلیس به اشتباه قاچاق انسان را به عنوان حمله بدنی و تهدید، جابجایی اتباع بیگانه، و تن فروشی در نظر می گیرند و حتی ممکن است متوجه نشوند که جرمی اتفاق افتاده است.

دولت ها باید مشوق هایی را برای پلیس و سایر نیروهای اجرای قانون فراهم کنند که به طور هدفمند به دنبال موارد قاچاق انسان باشند و در مورد نشانه های حاکی از وجود قاچاق انسان، بازرسی های پیشگیرانه را انجام دهند. برخی از راهبردهای موفقیت آمیز عبارتند از بازرسی های پیشگیرانه در بازارهای روسپی گری، تحت نظر داشتن مکان های کاری که در آنها موارد متعدد نقض حقوق نیروی کار صورت گرفته است، و بازرسی منظم از شرکت هایی که تعداد زیادی از کارگرهایشان ویزای نیروی کار میهمان را دریافت می کنند. اما اجرای قانون نمی تواند تنها جنبه واکنشی داشته باشد. کارشناسان مراقبت های بهداشتی، آموزگاران، بازرسان نیروی کار، مسئولان اداره مهاجرت، و فعالان بهزیستی کودکان، همگی توانایی شناسایی قربانیان قاچاق انسان و حمایت از آنها را دارند. انجام اقدامات پیشگیرانه

برای آنها به معنای آگاهی از این موضوع است که برده داری مدرن می تواند برای هرکسی رخ دهد و باید با دیدی فراتر از پیش داوری ها و بیگانه هراسی به مسائل بنگرند. دولت ها باید امکان آموزش تمامی نهادهایی را ممکن است با قربانیان احتمالی قاچاق انسان برخورد و تماس داشته باشند را فراهم کنند – و در حالتی بهتر، این آموزش ها را اجباری کنند.

یکی از اجتماعاتی که به احتمال زیاد مشمول موضوع قربانیان قاچاق انسان می شود، مهاجران غیر رسمی هستند، چه آنها هنگام ورود غیرقانونی به کشور دستگیر شده باشند و چه پس از ورود دستگیر شده و در طی انجام روال اداری اخراج خود از کشور باشند. شناسایی قربانیان در مورد این افراد آسیب پذیر صورت نمی گیرد. نظارت بر مرزها که در چهارچوب برنامه بین سازمانی قاچاق انسان سازمان ملل در مرز بین تایلند و کامبوج صورت گرفت، نشان دهنده این موضوع بود که از هر سه کارگری که از تایلند اخراج می شوند، یکی از آنها قربانی قاچاق انسان است، که طی زمان حضور خود در تایلند در شرایطی به سر برده است که مصداق تعاریف بیان شده در پروتکل پالرمو است. این آمارها بسیار تکان دهنده است، اما در عین حال، بازتاب شرایط موجود در سرتاسر جهان، شامل ایالات متحده است؛ قربانیان دستگیر و اخراج می شوند، چه آگاهانه و چه ناآگاهانه. اما اگر داستان قاچاق انسان ها تنها پس از آن که مراحل اداری کارهای قربانیان احتمالی انجام شده، آنها از کشور اخراج شده و دیگر حق ورود مجدد به کشور را ندارند، بیان شود، دیگر برای انجام تحقیقات، بازپروری قربانیان، و جلوگیری از قاچاق انسان بسیار دیر است. سه اصل نادرست انکار، دستگیری و اخراج از کشور در نقطه مقابل سه اصل اساسی مدرن قرار دارند.

خدمات جامع

با توجه به نیازهای متفاوت هر قربانی، خدمات مورد نیاز برای بهبود و بازپروری قربانی ممکن است شامل برخی و یا تمامی موارد زیر باشد: مراقبت های بهداشتی؛ تامین مسکن به صورت اضطراری و موقت و کمک در زمینه داشتن سرپناه در درازمدت؛ ارائه مشاوره در زمینه سلامت روانی؛ آموزش های شغلی و یافتن شغل؛ یافتن خانواده و پیوستن قربانی به خانواده اش؛ حضور مترجم؛ تامین وکیل برای قربانی در نظام قضایی؛ حمایت معنوی؛ کمک های قانونی در زمینه کیفری، مدنی و مهاجرت؛ برنامه ریزی برای امنیت قربانی؛ و فراهم کردن امکان بازگشت قربانی به کشور خود. با این که این فهرست

طولانی و دشوار است، اما سازمان های غیردولتی در سرتاسر جهان در حال اصلاح رویکردها، شیوه ها و خدمات خود بوده اند. این سازمان ها هم آمادگی و هم توانایی لازم برای ارائه این کمک ها را دارند. اما آنها اغلب از کمبود حمایت های مالی توسط دولت های کشورهایی که در آنها فعالیت می کنند، رنج می برند. این کمک های مالی برای بهره وری کامل آنها و ارائه تمامی خدمات مورد نیاز قربانیان نجات یافته ضرورت دارد.

همچنین ممکن است گاهی اوقات در ارائه کمک هایی که این سازمان های غیر دولتی می توانند فراهم کنند، اخلال ایجاد شود، زیرا ممکن است توانایی آنها در ارائه کمک به قربانیان به برنامه هایی بستگی داشته باشد که مشروط به همکاری قربانی با نیروهای اجرای قانون است. حتی دولت هایی که "زمان تفکر" را در اختیار قربانی می گذارند – مهلتی که به قربانی داده می شود تا پیش از تصمیم گیری در مورد همکاری با نیروهای اجرای قانون، به آرامش و ثبات دست یابد – نیز سیاست هایی را دارند که طبق آنها در نهایت قربانی باید در مورد همکاری تصمیم گیری کند. اما هنگامی که این مهلت تفکر به قربانیان داده می شود، آنها در حالی که روزها می گذرد، اجازه کار کردن و یا ترک خانه ای که در آن ساکن هستند را ندارند، و بدین ترتیب این مهلت تفکر به صورتی غیرقابل تشخیص تبدیل به دوران حبس می شود، و برای قربانیان اثبات کننده حرف هایی است که ممکن است قاچاقچیان به آنها گفته باشند؛ مبنی بر این که در صورت کشف و شناسایی توسط مسئولان چه اتفاقی برای آنها خواهد افتاد. در بهترین حالت، قربانیانی که تصمیم به همکاری می گیرند، از این کمک ها بهره مند خواهند شد، حتی اگر نیازی به همکاری آنها نباشد و یا امکان تکمیل پرونده آنها وجود نداشته باشد. همچنین شرایط خاصی برای کودکان و افرادی پیش بینی شده است که به علت آسیب های روحی و فیزیکی واردشده به آنها قادر به مشارکت در این فرایند نیستند. تصمیم تعیین کننده یک قربانی نجات یافته برای بیان حقیقت و مشاهده محاکمه کسانی که از او سوء استفاده کرده اند، باید در شرایط آرامش و ثبات اتخاذ شود.

قوانین محافظت از مستخدمین داخل خانه و کارگران زمین های کشاورزی

مستخدمین داخل خانه ها و کارگران زمین های کشاورزی به طور ویژه ای در برابر سوء استفاده و قاچاق انسان آسیب پذیر هستند. مستخدمین داخل خانه ها از جامعه ای که در آن پشت درهای بسته نگهداری می شوند، منزوی بوده و دیده نمی شوند. آنها در ساختارهای قانونی نیز دیده نمی شوند، و به طور معمول

تحت پوشش نهادهای بازرسی و محافظت از نیروی کار قرار ندارند. در بسیاری از موارد، کار داخل منازل به هیچوجه به عنوان کار در نظر گرفته نمی شود.

در حالی که تلاش های زیادی انجام می شود تا مستخدمین داخل خانه تحت پوشش محافظت های بین المللی، شامل ILO قرار گیرند، کارگران زمین های کشاورزی همچنان خارج از پوشش قوانین کارگری قرار دارند.

همکاری

لزوم هماهنگی بین سازمان های مختلف

در حالی که مفهوم همکاری برای بسیاری از افراد شامل همکاری بین دولت ها و فعالان خارج از دولت مانند شرکت ها، دانشگاهیان، سازمان های غیردولتی و سایر اشخاص و نهادها است، اما شاید بتوان گفت کارآمدترین همکاری در زمینه مبارزه با قاچاق انسان، همکاری بین خود دولت ها است. سه اصل اساسی و به هم پیوسته جلوگیری از قاچاق انسان، تعقیب و محاکمه قاچاقچیان، و محافظت از قربانیان نجات یافته، نشان دهنده ضرورت هماهنگی بسیار گسترده در زمینه مبارزه با قاچاق انسان و همکاری بین دولت ها، جوامع محلی، و نهادهای بین المللی است. این اقدامات باید در سطح هر کشور آغاز شود و روسای دولت، وزرا و اعضای دولت، مسئولیت مدیریت و نظارت بر هماهنگی های ملی در این زمینه را بر عهده داشته باشند. مردان، زنان، و کودکان در تمامی کشورها وادار به بردگی در مزارع، کارخانه ها، فاحشه خانه ها، و منازل می شوند. بسیاری از این افرادی که تحت این شرایط شبیه بردگی رنج می برند، حتی ممکن است خود را قربانی ندانند. با توجه به تنوع تجربیات قربانیان، ممکن است بسیاری از فعالان دولتی، از آتش نشانان تا پلیس، بازرسان اتحادیه های کارگری، کارکنان مراقبت های بهداشتی، مربیان، و مسئولان اداره مهاجرت، با قربانیان قاچاق انسان تماس داشته باشند. قربانیان پس از شناسایی، ممکن است برای حصول اطمینان از برآورده شدن نیازهایشان – شامل خانه، محافظت، مراقبت های بهداشتی، کمک های قانونی، و مشخص کردن وضعیت مهاجرت – به کمک های نهادهای متعددی نیاز داشته باشند. لازمه تشکیل پرونده و تعقیب قضایی موفقیت آمیز، برآورده شدن نیازهای قربانیان توسط سازمان های مسئول و وجود هماهنگی بین نهادهای مختلف اجرای قانون است. به طور خلاصه، یک واکنش موثر، واکنشی است که حاصل هماهنگی بین بسیاری از بخش های مختلف دولت باشد.

پس از تصویب قانون، نقش هماهنگی بین سازمان های مختلف آغاز می شود. یک قانون جدید مبارزه با قاچاق انسان باید طی سال های پس از تصویب آن، هم اجرا شده و هم اصلاح شود و تغییر یابد تا بتواند دربرگیرنده دستاوردهای جدید نیروهای اجرای قانون و پیشرفت های حاصل شده در زمینه محافظت از قربانیان و همچنین به کارگیری بهترین راهکارها باشد. هماهنگی بین سازمان های مختلف داخل یک دولت مرکزی، می تواند کارآیی و موثر بودن اجرای قانون ها را تضمین کند. یک نهاد هماهنگی که در دولت و یا یکی از وزارتخانه ها فعالیت می کند، می تواند تلاش های انجام شده در تمامی سطوح دولت برای دستیابی به نتیجه در زمینه مبارزه با قاچاق انسان در تمامی عرصه ها را سازماندهی کند؛ مانند هماهنگی در زمینه آموزش کارکنان دولت، اطلاع رسانی عمومی به طور دایمی، و محافظت از قربانیان برای حصول اطمینان از عدم مجازات نامناسب آنها. وزارتخانه ها و سازمان های مسئول در این زمینه، نه تنها شامل سازمان های اجرای قانون کیفری است، بلکه دربرگیرنده سازمان هایی است که موظفند بر اجرای قوانین مدنی، سیاست های مرتبط با نیروی کار، برقراری ارتباط با قربانیان و ارائه خدمات به آنها، اطلاع رسانی عمومی، آموزش و امنیت کودکان، سیاست های بازرگانی، مسائل زنان، توسعه بین المللی و کمک های خارجی، سیاست های مهاجرتی، اطلاعات، و سیاست های خارجی نیز نظارت داشته باشند.

همچنین هماهنگی های چند سطحی بین دولت مرکزی با دولت های زیرمجموعه خود و دولت های محلی بسیار مهم است. انواع هماهنگی های پایدار ممکن است به وسعت یک کشور خاص، میزان تمرکز زدایی در یک کشور، و منابع موجود بستگی داشته باشد. کشورها باید نمودارهای سازمانی ای را تهیه کنند که در برگیرنده تمام نهادهای دولتی ای است که ممکن است طی انجام فعالیت های عادی خود با قربانیان و یا عاملان قاچاق انسان تماس داشته باشند. اطلاعات مربوط به قاچاق انسان باید در کل کشور و در سطوح مختلف دولت جمع آوری شود، و تمامی افراد در هر سطحی باید تحت آموزش قرار گیرند، تا اطمینان حاصل شود که مقامات کشوری و محلی با برنامه های ملی ای که می تواند برای قربانیان سودمند باشد، آشنا هستند.

ارزش همکاری با سازمان های غیردولتی

سازمان های غیردولتی از قربانیان قاچاق انسان مراقبت می کنند، منبعی برای ارجاع پرونده ها توسط نیروهای اجرای قانون هستند، و اطلاعات مورد نیاز برای سیاست های دولتی را فراهم می کنند. علی رغم ارزش بسیار زیاد این سازمان ها به عنوان شریکی در مبارزه با قاچاق انسان، و علی رغم تمایل بسیاری از دولت ها برای انتقال مسئولیت مراقبت از قربانیان به سازمان های غیردولتی، دولت ها اغلب حمایت های مالی لازم را از این سازمان ها به عمل نمی آورند، به آنها برای مشارکت در فرایند قانونی اعتماد نمی کنند، و مانع از مشارکت آنها در تلاش برای مبارزه با قاچاق انسان می شوند.

حمایت مالی از سازمان های غیردولتی ضرورت دارد، زیرا دولت ها اغلب برای ارائه خدمات مورد نیاز قربانی در جایگاه مناسبی قرار ندارند. سازمان های غیردولتی می توانند شرکایی ایده ال در زمینه رفع کمبودهای موجود برای محافظت از قربانیان باشند، که این می تواند شامل تامین سرپناه برای قربانی، کمک های قانونی در زمینه وضعیت مهاجرتی قربانیان، و ارائه مشاوره باشد. با این حال، نباید از سازمان های غیردولتی انتظار داشت تا بار مالی اقدامات محافظتی دولت را به دوش بکشند. حمایت مالی از سازمان های غیردولتی می تواند نشان دهنده تعهد دولت برای محافظت از قربانیان از طریق افزایش میزان دسترسی آنها به خدمات باشد. در مقابل، این حمایت های دولتی قربانیان را قادر می سازد تا در بازرسی ها و تشکیل پرونده مشارکت کنند که این امر خود به پیشبرد تلاش های نیروهای اجرای قانون کمک می کند.

متاسفانه، دولت ها اغلب در زمینه همکاری با سازمان های غیردولتی بدگمان هستند. عدم اعتماد به سازمان های غیر دولتی ممکن است ناشی از سوء تفاهم و یا بی اطلاعی از تلاش های این سازمان ها، حادثه ناخوشایند قبلی، و یا عدم وجود سابقه همکاری در گذشته باشد. این بی اعتمادی ممکن است بازتابی از این شک کلی باشد که تاکید گروه های مدنی بر مراقبت از افراد آسیب پذیر می تواند منجر به حمایت آنها از اعطای حق رای به این افراد و یا انجام اصلاحات دموکراتیک شود. همچنین این امر می تواند ناشی از تمایل دولت ها به قطع بودجه گروه های وابسته به رهبران پیشین، مخالفان سیاسی، و یا گروه های نژادی یا مذهبی نامطلوب باشد.

افزایش ارتباط بین دولت ها و این سازمان ها و تلاش های هماهنگ برای همکاری در زمینه پرونده های مستحکم، می تواند به غلبه بر این گونه موانع کمک کند. همکاری های پایدار حاصل شده، هم در راستای

منافع کشور – از طریق پیگیری پرونده های کیفری و حفظ صلح – و هم در راستای منافع قربانیان در زمینه دستیابی به عدالت، بازیابی احترام، و برخورداری از حمایت است. هنگامی که دولت ها ارزش واقعی سازمان های غیر دولتی را درک کنند، ایجاد همکاری های جدید بین آنها بسیار ساده تر خواهد بود.

نقش سازمان های غیردولتی در مبارزه با قاچاق انسان از طریق روش های اصلی زیر:

خدمات: قربانیان قاچاق انسان به کمک های ارائه شده توسط متخصصان گوناگون شامل پزشکان و روانپزشکان، مشاوران اجتماعی، وکلا و مترجمان نیاز دارند. یک رویکرد جامع دربرگیرنده ارزیابی و فراهم کردن تمامی نیازهای قربانی شامل مراقبت های بهداشتی جسمی و روانی، غذا، سرپناه، لباس، برنامه ریزی برای امنیت، کمک در زمینه مسائل مهاجرتی، دفاع در دادگاه، بازگشت به میهن، قرار گرفتن در کنار خانواده، آموزش در زمینه مهارت های شغلی، یافتن کار، دفاع از قربانی، و فراهم کردن مترجم است.

ارجاع پرونده ها: سازمان های غیر دولتی اغلب نهادهای اجتماعی مورد اعتمادی هستند که افراد در معرض خطر آنها را به عنوان مکان هایی امن می شناسند. قربانیان اغلب پیش از مراجعه به پلیس، به سازمان های غیر دولتی مراجعه می کنند. به همین دلیل، سازمان های غیردولتی می توانند منابع خوبی برای ارجاع پرونده ها در فرایند تحقیق در مورد قاچاق انسان باشند. اگر سازمان های غیر دولتی شاهد دستگیری و اخراج از کشور قربانیان، بازجویی از آنها و یا هرگونه رفتار نامناسبی با آنها باشند، در مشاوره های خود به قربانیان نخواهند گفت که برای گزارش به نیروهای اجرای قانون مراجعه کنند. البته در این گونه موارد سازمان های غیر دولتی یک مسیر غیرآشکار را پیش روی قربانی قرار می دهند، و به جای روبرو ساختن مراجعان خود با واکنش خصمانه دولت، به طور پنهانی به آنها کمک می کنند. در حالت ایده ال، سازمان های غیر دولتی و نیروهای اجرای قانون به تقویت روابط دوجانبه مبتنی بر اعتماد کمک می کنند که منجر به ارجاع پرونده ها به صورت دو جانبه می شود.

نظردهی: طی یک دهه گذشته، دولت ها چهارچوب های قانونی و ساختارهای مبارزه با قاچاق انسان را ایجاد کرده اند. در بسیاری از موارد، سازمان های غیر دولتی که در متن جامعه قرار دارند، با این ساختارها و سیاست های تدوین شده توسط دولت ها کار می کنند، به همین دلیل به خوبی از نقاط قوت و

ضعف آنها آگاه هستند. این موضوع سبب می شود که سازمان های غیر دولتی منبع اطلاعاتی بسیار ارزنده ای برای اصلاح اقدامات دولت ها باشند. نظرات آنها در مورد طرح های پیشنهادی می تواند در زمینه اجرای موفقیت آمیز این طرح و حمایت مستمر سازمان های غیردولتی از آنها بسیار ارزشمند باشد. حمایت سازمان های غیر دولتی در برخی مواقع می تواند منجر به آشکار شدن حقایقی نامطلوب شود، اما در عین حال می تواند نهادهای قانونگذاری و اجرای قانون را برای مبارزه با برده داری مدرن از طریق تقویت نقش و مسئولیت های سازمان های دولتی، تحت فشار قرار دهد.

اطلاعات: سازمان های غیر دولتی اغلب برای شناسایی فرایندهایی که به ارزیابی و مقابله با ماهیت متغیر قاچاق انسان کمک می کند، در بهترین موقعیت قرار دارند. به عنوان مثال، اگر ورود کودکان از یک کشور خاص به طور ناگهانی افزایش یابد، یا اکثر پرونده ها مربوط به مردانی باشد که در بخش ساخت و ساز مشغول کار هستند، و یا نیاز مبرم و برآورده نشده ای به خدمات قانونی وجود داشته باشد، سازمان های غیر دولتی می توانند این اطلاعات بسیار ارزنده را در اختیار نیروهای اجرای قانون و سیاستگذاران قرار دهند.

اطلاعات مربوط به اجرای قانون در سطح جهان

هنگام تمدید قانون محافظت از قربانیان قاچاق انسان TVPRI در سال 2003، ماده جدیدی به قانون اصلی افزوده شد که بر مبنای آن دولت های خارجی موظفند اطلاعات مربوط به تحقیق در مورد قاچاق انسان، تعقیب قضایی، محکومیت ها، و مجازات های اعمال شده در مورد قاچاقچیان را در اختیار وزارت امور خارجه قرار دهند تا پایبندی کامل خود به حداقل استانداردهای TVPRI در زمینه ریشه کن کردن قاچاق انسان (کشورهای دسته بندی یک) را نشان دهند. این اطلاعات برای نخستین بار در گزارش تی. آی. پی.[1] سال 2004 جمع آوری شد. گزارش TIP سال 2007 نیز برای نخستین بار شاهد افزایش چشمگیر موارد تشکیل پرونده و محکومیت در ارتباط با قاچاق انسان بود.

قهرمانان گزارش TIP سال 2011

هر سال وزارت امور خارجه از اشخاصی که در سرتاسر جهان زندگی خود را وقف مبارزه با قاچاق انسان کرده اند، تقدیر به عمل می آورد. این اشخاص شامل کارکنان سازمان های غیردولتی، قانونگذاران، افسران پلیس، و شهروندان دلسوزی است که متعهد به پایان بخشیدن به برده داری نوین هستند. آنها برای تلاش های خستگی ناپذیر خود – علی رغم موانع، مخالفت ها، و تهدیدها بر علیه زندگیشان – با هدف محافظت از قربانیان، مجازات عاملان، و افزایش آگاهی ها در مورد ادامه اقدامات قاچاقچیان در کشورهای خود و سرتاسر جهان، مورد تقدیر قرار می گیرند.

لیونل دوبون

گواتمالا

لیونل دوبون تعهد خدشه ناپذیری در راستای تامین کمک های ارزنده برای قربانیان قاچاق انسان از خود نشان داده است. همچنین او به طور همزمان همکاری بین سازمان های غیر دولتی و دولت و اجرای طرح هایی در زمینه سیاستگذاری ها را تشویق می کند. آقای دوبون در سال 2009 نقشی تعیین کننده در تاسیس سازمان غیردولتی خانه ای برای کودکان آواره داشت که برای 26 دختر قربانی قاچاق جنسی که به سن قانونی نرسیده بودند، سرپناه تامین کرد. این سازمان که اکنون تبدیل به الگویی در گواتمالا و سرتاسر منطقه شده است، در سال 2010 برای 51 دختر سرپناه و خدمات را تامین کرد. هنگامی که سقف ساختمان به علت فوران آتشفشان در ماه مه و طوفان استوایی آگاتا فروریخت، آقای دوبون از دوستانش در سایر سازمان های غیر دولتی خواست تا به طور موقت برای این دخترها سرپناه تامین کنند، و سپس پول بازسازی ساختمان را فراهم کرد. آقای دوبون در ژانویه سال 2011، دومین ساختمان خود را برای افراد بالغ و جوانان زیر 24 سال راه اندازی کرد. او که نمی توانست قربانیان مسن تر را بدون کمک رها کند، همراه با رهبران سایر سازمان های غیر دولتی برای تامین خدمات بیشتر برای قربانیان بزرگسال خواستار همکاری دولت گواتمالا شد. در مارس 2011، رئیس جمهوری گواتمالا سرپناه اختصاص یافته برای قربانیان بزرگسال قاچاق انسان را افتتاح نمود.

فعالیت های آقای دوبون، مناطق روستایی اطراف گواتمالا را نیز دربرمی گیرد؛ سازمان او در این مناطق قربانیان را شناسایی می کند، به آنها در زمینه سلامت روانی و مسائل قانونی مشاوره می دهد، و با اجرای

برنامه های آموزشی تلاش می کند از قاچاق انسان در بین افراد آسیب پذیر جلوگیری کند. آقای دوبون در سال 2011 در حال همکاری با وزارت بهزیستی اجتماعی است تا 30 خانواده که خواستار پذیرفتن فرزند خوانده هستند را در زمینه چگونگی فراهم کردن محیطی امن و سرشار از عشق برای کودکان قربانی قاچاق انسان که امکان دسترسی به سرپناه ندارند، آموزش دهد. آقای دوبون همچنین با سازمان های بین المللی همکاری کرده، در کنفرانس های متعددی سخنرانی کرده است و عضوی فعال در شبکه سازمان های غیردولتی مبارزه با قاچاق انسان در گواتمالا بوده است.

اسمه کیستینگ

نامیبیا

اسمه کیستینگ، مدیر اجرایی سازمان غیردولتی دختران پادشاه در نامیبیا، با شور و شهامت زیاد تلاش می کند تا با یک باور اجتماعی مبارزه کند و فرصتی دوباره در زندگی را برای زنانی که بر اثر قاچاق جنسی مورد سوء استفاده قرار گرفته اند، فراهم کند. سازمان دختران پادشاه که در سال 2006 توسط کیستینگ و با کمک شورای کلیساهای نامیبیا تاسیس شد، تلاش می کند به زنانی که گرفتار پدیده قاچاق جنسی شده اند کمک کند تا از فقر و زندگی در خیابان ها رهایی یابند. خانم کیستینگ طی دوران بازپروری، به این زنان که بسیاری از آنها از سوء استفاده های جنسی رنج برده اند، کمک می کند تا درک کنند که آنها قربانیان قاچاق انسان هستند. این سازمان به منظور برآورده ساختن نیازهای مادی، معنوی و روانی قربانیان، مواد غذایی و مصرفی را در اختیار آنها می گذارد، جلسه هایی را برای خواندن کتاب مقدس برگزار می کند، به آنها در زمینه تقویت مهارت هایشان آموزش می دهد، برنامه های ترک اعتیاد به مواد مخدر را برگزار می کند، و به این زنان مشاوره می دهد. بیش از 80 درصد از این زنان به HIV مبتلا بوده و اغلب آنها دارای کودکانی کم سن هستند.

خان کیستینگ، علاوه بر کمک به این زنان، تلاش می کند تا به کل جامعه نامیبیا در مورد تجربیات این زنان آموزش دهد. او مدیریت برگزاری برنامه های اطلاع رسانی عمومی توسط زنان در سرتاسر نامیبیا را بر عهده دارد، که هدف از این برنامه ها آموزش سایر زنانی که مورد سوء استفاده قرار گرفته اند، رهبران کلیسا و اجتماع، و مسئولان اداره مهاجرت در مورد زندگی زنانی است که وادار به تن فروشی می شوند. خانم کیستینگ این زنان را تشویق می کند تا داستان زندگی خود را بیان کنند، و امیدوار است از

این طریق مقامات را برای محافظت از سایر زنانی که شرایطی مانند این قربانیان دارند، تحت تاثیر قرار دهد. فعالیت های این گروه سبب شده است تا برخی از رهبران کلیسا خواستار تاسیس سازمان هایی مشابه در جامعه خود شوند. سازمان دختران پادشاه دارای یک منبع درآمد پایدار نیست، و قسمت عمده درآمد آن از طریق کمک های کلیسای پروتستان پنتکوستال، هیات مدیره دختران پادشاه، و کمک های داوطلبانه تامین می شود. خود خانم کیستینگ نیز بیشتر دارایی های شخصی خود را صرف حمایت از این گروه کرده است.

دارلن پاجاریتو

فیلیپین

دارلن پاجاریتو معاون دادستان شهر زامبواگنا است و به عنوان یکی از قاطع ترین فعالان مبارزه با قاچاق انسان در فیلیپین شناخته می شود. خانم پاجاریتو پس از پیوستن به وزارت دادگستری در سال 2004، نخستین دادگاه قاچاقچیان انسان در فیلیپین را در سال 2005 برگزار کرد، و در سال 2011 موفق به صدور نخستین حکم محکومیت عاملان قاچاق انسان شد. محکومیت پنج قاچاقچی انسان در زامبواگنا توسط دارلن، از محکومیت های پیشین در هر شهری در فیلیپین بیشتر بود. خانم پاجاریتو به طور تمام وقت در حال تعقیب قضایی پرونده های مختلف قاچاق انسان است. او این دستاوردها را در شرایطی کسب کرده است که کارتن هایی پیش روی او قرار دارد که در هریک از آنها به طور میانگین بیش از 300 پرونده جنایی دیگر قرار دارد، و فرایند دادگاه های کیفری در نظام قضایی بسیار شلوغ فیلیپین به طور متوسط شش سال طول می کشد.

خانم پاجاریتو همچنین نیروهای اجرای قانون، مشاوران اجتماعی، ماموران ویژه، و نهادهای دولتی مسئول در زمینه قاچاق انسان را در زمینه قوانین مبارزه با قاچاق انسان در فیلیپین و شیوه های موثر تعقیب قضایی قاچاقچیان آموزش داده و تشویق و حمایت می کند. فعالیت های او سبب تقویت مجدد کمیته منطقه ای بین سازمانی مبارزه با قاچاق انسان شد و زمینه را برای تشکیل نیروهای ویژه دریایی و هوایی برای مبارزه با قاچاق انسان فراهم کرد. سابقه موفقیت های او ارزش همکاری بین پلیس و دادستانی در زمینه پرونده های مستحکم قاچاق انسان را به سایر دادستان ها نشان داده است.

دیلسیا گراسیا

مکزیک

دیلسیا گراسیا به دلیل موفقیت هایش در زمینه تعقیب قضایی پرونده های قاچاق انسان، همدردی اش با قربانیان، و تلاش های خستگی ناپذیرش برای پایان بخشیدن به قاچاق جنسی و قاچاق نیروی کار اجباری، از چهره های پیشگان در نظام قضایی مکزیک به شمار می رود. در سال 2009، خانم گراسیا که معاون دادستان در دفتر دادستان کل مکزیکوسیتی بود، یک پرونده به یادماندنی را مورد پیگیری قرار داد که منجر به صدور نخستین حکم مجازات برای قاچاقچیان انسان در مکزیک شد. او در سال های 2009 و 2010 نیز با همکاری سایر مقامات، به طور مرتب منطقه ای را که در پایتخت مکزیک به عنوان مرکز قاچاق انسان شناخته شده است، مورد بازرسی قرار داد.

دفتر کمک به قربانیان قاچاق انسان و خشونت های خانوادگی، که او مدیریت آن را بر عهده دارد، با همکاری جوامع مدنی توانسته است برای بیش از 250 قربانی نجات یافته قاچاق جنسی و کار اجباری، خدماتی جامع – شامل سرپناه و درمان های روانی و پزشکی – را فراهم کند. خانم گارسیا سپس اتهاماتی را بر علیه 100 قاچاقچی مطرح کرد که دفتر او به پیگیری این موارد ادامه می دهد. او همچنین مسئولیت نظارت بر صدور حکم زندان به مدت 17 سال – که سنگین ترین حکم زندانی است که تا کنون در زمینه قاچاق انسان در مکزیک صادر شده است – را نیز بر عهده داشت. شورای قانونگذاری مکزیکوسیتی در مارس سال 2011 و در نتیجه رایزنی های او اختصاص بودجه لازم جهت ایجاد یک سرپناه برای قربانیان قاچاق انسان و خشونت های خانوادگی را تصویب کرد.

خانم گارسیا نشان داده است که می توان از قوانین مبارزه با قاچاق انسان در آمریکای لاتین به گونه ای کارآمد برای تعقیب قضایی پرونده های قاچاق انسان و ارائه این پرونده ها به دادگاه استفاده کرد و به بسیاری از اشخاص در دولت و جوامع مدنی این انگیزه را داده است تا با قاطعیت بیشتری با قاچاقچیان انسان مبارزه کنند.

شیلا رسو

آنتیگوا و باربودا

شیلا رسو از مدافعان قدیمی حقوق زنان و مدیر اجرایی هیات امور جنسیتی آنتیگوا و باربودا است. در سال 2010، خانم رسو نقشی تعیین کننده در تصویب نخستین قانون این کشور در زمینه تعیین مجازات های کیفری برای قاچاقچیان انسان و محافظت گسترده از قربانیان داشت. خانم رسو پس از ارائه مشاوره و تدوین پیش نویس این قانون و رایزنی با مقامات برای تصویب آن، اکنون برای اجرای مستمر این قانون تلاش می کند. خانم رسو و تیم حرفه ای او یک ائتلاف بین وزارتخانه ای را ایجاد کرده اند که هدف از آن هماهنگ کردن تلاش ها در زمینه مبارزه با قاچاق انسان در سطوح مختلف دولت است. این هیات همچنین یک طرح جمع آوری اطلاعات در سطح منطقه ای را راه اندازی کرده و همکاری هایی را بین بخش دولتی و خصوصی ایجاد کرده است که هدف از آن تامین سرپناه برای قربانیان، با تاکید ویژه بر ناشناس ماندن آنها در این جزیره کوچک، است. او تا پیش از سال 2010 به قربانیان قاچاق انسان کمک می کرد، که یکی از این قربانیان، پسری کوچک بود که اکنون بزرگ شده و با کمک های خانم رسو در جامعه آنتیگوا زندگی می کند. این تنها برنامه کمک درازمدت به یک قربانی خارجی قاچاق انسان است که توسط یک دولت در منطقه انجام شده است. قدرت شخصیتی خانم رسو و اعتقاد راسخ او به کاری که انجام می دهد، سبب شده است تا علی رغم محیط چالش انگیز پیرامون او و محدودیت های جدی در زمینه منابع، او بتواند به موفقیت دست یابد. با این حال او همچنان با انرژی و اشتیاق خود را وقف این کار کرده است. به دلیل مدیریت مستمر او، قربانیان قاچاق انسان در آنتیگوا و باربودا اکنون از محافظت های قانونی بهره مند هستند.

اوا بیادت

فنلاند

دولت فنلاند در استقرار گزارشگر ملی فنلاند شهامت به خرج داد تا مشکل قاچاق را صریحاً بررسی کند. اما موفقیت این مؤسسه مستقل به توانایی خود گزارشگر بستگی دارد. اوا بیادت، پیشروی جهانی در حقوق زنان و تلاش های مبارزه با قاچاق، به این چالش ها پاسخ داده است. تحقیق و حمایتی که توسط وی و گروه او مدیریت شده است این کشور را تشویق کرده است تا مسئله قاچاق را جدی گرفته و به صورت جمعی برای رسیدگی به ضعف های اصولی اقدام دولت تلاش کند. گزارش وی با شناسایی آسیب پذیری های موارد مختلف برنامه مبارزه با قاچاق دولت و توصیه برای تغییرات در سیاست، قاچاق را از دیدگاه

های مختلف بررسی می کند. انتقاد صادقانه و بازنگری جامع وضعیت فعلی قاچاق انسان در فنلاند توسط وی به عنوان هشداری برای بحث فوری مجلس درباره قانونی برای مبارزه با جنایت شامل بحث در بین قانون گذاران در خصوص نیاز به یک واحد اجرایی مختص مبارزه با قاچاق عمل کرد. پیشنهادات وی به توصیه ای توسط گروه هدایت مجلس برای بازنگری حقوق کیفری کشور به درخواست تلاش های بیشتر برای شناسایی قربانیان منجر شد و انتظار می رود این بازبینی پس از انتخابات آوریل 2011 صورت پذیرد.

با مدیریت خانم بیادت دفتر گزارشگر نه تنها یک بررسی کنندۀ پرکار وضعیت قاچاق در فنلاند بوده است بلکه تلاش ها را برای آموزش مقامات در باره کمک به قربانیان مدیریت کرده است. این دفتر برای اطمینان از این که قاچاق انسان هنوز باعث نگرانی عموم است، با رسانه ها همکاری کرده است. مدیریت شجاعانه این مؤسسۀ مستقل توسط خانم بیادت شرایط لازم را به وجود می آورد و استاندارد را برای تلاش های همراه با نظارت قاچاق کشور افزایش می دهد. خانم بیادت از سال 2006 تا 2009 نماینده ویژه سازمان امنیت و همکاری اروپا در مبارزه با قاچاق انسان در وین بود. وی همچنین در تعدادی از سازمان های غیر دولتی مبارزه با قاچاق و حقوق زنان فعال است.

چاریمایا تامانگ

نپال

چاریمایا تامانگ که در خانوادۀ فقیری به دنیا آمد که با درگذشت پدرش فقیرتر شد، زمانی که به هند قاچاق شد، 16 سال داشت. او پیش از این که دولت هند او و بیش از 200 زن نپالی دیگر را در سال 1996 نجات دهد، به اجبار 22 ماه را در فاحشه خانه ای گذراند. خانم تامانگ به محض ورود به نپال با ننگ اجتماعی روبرو شد و از محله اش طرد شد. اما او با شجاعت از قاچاقچیان شکایت کرد و به اولین نفری تبدیل شد که شخصاً یک شکایت مرتبط با قاچاق در پلیس منطقه ثبت کرده است. دادگاه بخش در سال 1997 – در یک تصمیم تاریخی -- هشت مجرم مرتبط با پرونده وی را محکوم کرد و مجرم شناخت.

خانم تامانگ و 15 نفر دیگر در سال 2000 سازمان غیر دولتی مبارزه با قاچاق را تأسیس کردند. وی به خاطر تلاش های خود در سال 2007 یک مدال افتخار ملی دریافت کرد و در حال حاضر یکی از دو

بازمانده قاچاق انسان است که به عنوان عضو کمیسیون ملی مبارزه با قاچاق انسان تحت هدایت دولت که در سال 2009 تأسیس شد، کار می کند. خانم تامانگ در این مقام اهمیت استفاده از بازماندگان در گروه های کاری در سطح بخش را افزایش داد. اکنون پنج بازمانده قاچاق انسان به عنوان عضو کمیسیون در سطح بخش در نقاط مختلف کشور کار می کنند.

سواتی چاهان

هند

دادرس سواتی چاهان، برای نظارت بر قانون جلوگیری از قاچاق غیر اخلاقی، در سال 2008 به عنوان مسئول دادگاه ویژه تازه تأسیس مومبای منصوب شد. وی در آن زمان تکلیف صدها پرونده ناتمام قاچاق را تعیین کرد و دستور توانبخشی بیش از 1200 دختر و زن نجات یافته را صادر کرد و اطمینان حاصل کرد که قربانیان قاچاق جنسی بر اساس مقررات ضد فحشای قانون هند مجازات نشوند. دادگاه تحت مدیریت وی در سال 2009 81 و در سال 2010، 164 قاچاقچی و صاحب فاحشه خانه را – درصد بالایی از همه پرونده ها در یک کشور با بیش از 1/2 میلیارد جمعیت -- محکوم کرد. خانم چاهان در سال 2009 به عنوان استاد در مؤسسه ملی توسعه روستایی در حیدرآباد در زمینه اجرای مؤثر مقررات ضد فحشا به بیش از 150 مقام ارشد نیروی انتظامی و افسران بخش از نقاط مختلف هند آموزش داد. کار وی، که از اعتبار جهانی برخوردار است، آگاهی در زمینه اهمیت پیگرد قاچاقچیان و خدمات دادگاه های ویژۀ مبارزه با قاچاق را افزایش داده است. دولت هند وی را به عنوان نماینده کشور در کنفرانس حکومت قانون آسیا – اقیانوسیه در ژانویه 2011 در کوالالامپور انتخاب کرده است.

آمیلا افندیک

بوسنی و هرزگوین

آمیلا افندیک بیش از 10 سال خدمت رسان مهربان و خستگی ناپذیر قربانیان قاچاق و مدافع موارد حفاظت از قربانیان بوده است. خانم افندی به عنوان رئیس دفتر مجمع جهانی همبستگی – امواس، IFS یکی از بزرگترین و فعال ترین پناهگاه های قربانیان قاچاق را مدیریت می کند و مسئول هماهنگ کننده کمپین اطلاع رسانی قاچاق IFS است. خانم افندیک با اعتمادسازی و گسترش روابط کاری نزدیک با دفتر

هماهنگی کشور و آژانس های اجرای قانون بوسنی مشاوره شاخص برای شکل دهی گروه های نظارت بر قاچاق در کشور و مهارت روش های مؤثر و انسانی برای درمان قربانیان قاچاق ارائه می دهد. خانم افندیک علی رغم تهدیدهای فراوان متخلفین قاچاق علیه او و کارکنان IFS.، برای اطمینان از حفاظت از حقوق قربانیان به همکاری عملی با نیروی انتظامی، دادستان ها و دیگر مقامات مسئول ادامه می دهد.

خانم افندیک پیش از همکاری خود با IFS برای چندین سال جانشین موقت مدیر طرح IOM بود. وی مدیریت اجرای بیش از 6 میلیون دلار طرح های مبارزه با قاچاق را در IOM بر عهده داشت و مستقیماً در توسعه دو طرح عملی ملی پیاپی برای بوسنی و آئین دادرسی قربانیان خارجی قاچاق درگیر بود.

خانم افندیک هم در IOM و هم در IFS با درگیری مستقیم در نجات و ادغام دوباره قربانیان قاچاق، بالاتر و ورای وظایف خود عمل کرد. هماهنگ کننده نیروی ضربتی ضد TIP بوسنی، به خاطر فداکاری و تجربه و معلومات زیاد خانم افندیک در حفاظت از قربانیان از وی خواست تا به این نیرو – درخواستی که پیش از این هیچگاه به یک فعال سازمان غیر دلتی داده نشده بود-- ملحق شود.

بریجت لو تان

سنگاپور

بریجت لو تان بیش از یک دهه در خط مقدم تلاش های حفاظت از کارگران مهاجر در سنگاپور، پذیرنده بیش از 800.000 مهاجر، بود. خانم تان هنگام کار در مدیریت منابع انسانی با قانون های محلی استخدام و حقوق کارگران آشنا شد. وی از دیدن کارگران مهاجری که از بی عدالتی از طرف کارفرماها و سازمان های استخدامی رنج می برند، سخت عصبانی بود. خانم تان، زمانی که در سال 2002 در کمیسیون وابسته به اسقف اعظم برای مراقبت کشیشی از مهاجران و افراد دوره گرد به صورت داوطلبانه کار می کرد به یک گروه 30 نفره از مردان بنگلادشی برخورد کرد که نیمه شب پشت یک قهوه خانه جمع شده بوند. وی پس از دیدن درماندگی و ترس آنها دو پناهگاه – یکی برای مردان و یکی برای زنان -- برای پناه دادن به کارگران مهاجر ترتیب داد.

خانم تان در سال 2004 برای رسیدگی به نیازهای خاص کارگران مهاجر سازمان بشردوستانه برای

اقتصاد مهاجرت (هوم) را تأسیس کرد. هوم از زمان شکل گیری، غذا، سرپناه، خدمات پشتیبانی و مشاوره قانونی به بیش از 50.000 مهاجر، که اکثر آنها کارگران زن داخلی هستند، ارائه کرده است. هوم علی رغم سرمایه محدود به فعالیت و توسعه خدمات خود برای کارگران مهاجر و قربانیان قاچاق ادامه می دهد. خانم تان از طریق رسانه ها برای افزایش آگاهی عمومی از سختی هایی که کارگران مهاجر و قربانیان قاچاق با آن روبرو هستند، تلاش می کند. خانم تان علی رغم تهدیدها و ارعاب از طرف کارفرماها و سازمان ها، برای رسیدگی به شیوه های استخدام غیر قانونی و افزایش آگاهی در زمینه گرفتاری کارگران در سنگاپور، به مدیریت هوم ادامه می دهد.

لایه ها

لایه 1

کشورهایی که دولت آنها حداقل استانداردهای قانون حفاظت از قربانیان قاچاقTVPI را کاملاً رعایت می کنند.

لایه 2

کشورهایی که دولت آنها حداقل استانداردهای TVPI را کاملاً رعایت نمی کنند اما تلاش های عمده ای برای حرکت به سمت این استانداردها انجام می دهند.

نظارت لایه 2

کشورهایی که دولت آنها حداقل استانداردهای TVPI را کاملاً رعایت نمی کنند، اما تلاش های عمده ای برای حرکت به سمت این استانداردها انجام می دهند و:

الف) تعداد قطعی قربانیان شکل های شدید قاچاق خیلی قابل توجه است یا به صورت قابل توجهی در حال افزایش است

ب) عدم موفقیت ارائه شواهد افزاش تلاش ها برای مبارزه شکل های شدید قاچاق انسان نسبت به سال گذشته؛ یا

ج) عزمی که نشان دهنده تلاش های عمده کشور برای برآورده کردن حداقل استانداردها که بر

اساس تعهدات کشور برای برداشتن گام های بیشتری در آینده بود

لایه 3

کشورهایی که دولت های آنها حداقل استانداردها را کاملاً رعایت نمی کنند و تلاش خاصی در این جهت انجام نمی دهند

تعیین لایه

افغانستان	2WL
آلبانی	2
الجزایر	3
آنگولا	2WL
آنتیگو و باربودا	2
آرژانتین	2
ارمنستان	2
آروبا	2
استرالیا	1
اتریش	1
آذربایجان	2WL
باهاما	2WL
بحرین	2
بنگلادش	2WL
باربادوس	2WL
بلاروس	2WL
بلژیک	1
بلیز	2
بنین	2
بولیوی	2

بوسنی و هرزگوین	1
بوتسوانا	2
برزیل	2
برونئی	2WL
بلغارستان	2
بورکینافاسو	2
برمه	3
بروندی	2WL
کامبوج	2
کامرون	2WL
کانادا	1
جمهوری آفریقای مرکزی	3
چاد	2WL
شیلی	2
چین (جمهوری)	2WL
کلمبیا	1
کومور	2WL
کنگو (جمهوری خلق کنگو)	3
کنگو (جمهوری)	2WL
کاستاریکا	2WL
کرواسی	1
کوبا	3
کراکائو	2WL
قبرس	2WL
جمهوری چک	2
دانمارک	1
جیبوتی	2

جمهوری دومنیکن	2WL
اکوادور	2WL
مصر	2
السالوادور	2
گینهٔ استوایی	3
اریتره	3
استونی	2WL
اتیوپی	2
فیجی	2
فنلاند	1
فرانسه	1
گابون	2
گامبیا	2WL
گرجستان	1
آلمان	1
غنا	2
یونان	2
گواتمالا	2
گینه بیسائو	3
گویان	2
هندوراس	2
هنگ کنگ	2
مجارستان	2
ایسلند	2
هند	2
اندونزی	2
ایران	3

عراق	2WL
ایرلند	1
اسرائیل	2
ایتالیا	1
جامائیکا	2
ژاپن	2
اردن	2
قزاقستان	2
کنیا	2
کرباتی	2WL
کره، شمالی	3
کره، جنوبی	1
کوزوو	2
کویت	3
جمهوری قرقیزستان	2
لاسو	2
لاتویا	2
لبنان	3
لسوتو	2
لیبریا	2WL
لیبی	3
لیتوانی	1
لوکزامبورگ	1
ماکاتو	2
مقدونیه	1
ماداگاسکار	3
مالاوی	2

مالزی	2WL
مالدیو	2WL
مالی	2WL
مالت	2WL
جزایر مارشال	2
موریتانی	3
موریتیوس	1
مکزیک	2
میکرونزیا	3
مولداوی	2
مغولستان	2
مونتنگرو	2
مراکش	2
موزامبیک	2
نامیبیا	2
نپال	2
هلند	1
نیوزلند	1
نیکاراگوا	2
نیجر	2WL
نیجریه	1
نروژ	1
عمان	2
پاکستان	2
پالائو	2
پاناما	2WL
پاپوا گینه نو	3

پاراگوئه	2
پرو	2
فیلیپین	2
لهستان	1
پرتغال	1
قطر	2WL
رومانی	2
روسیه	2WL
رواندا	2
سنت لوئیس	2
سنت وینست و گرن	2WL
عربستان سعودی	3
سنگال	2
صربستان	2
سیشل	2
سریالئون	2
سنگاپور	2
جمهوری اسلواکی	1
اسلوانی	1
جزایر سلیمان	2WL
آفریقای جنوبی	2
اسپانیا	1
سریلانکا	2
سودان	3
سورینام	2
سوازیلند	2
سوئد	1

سوئیس	2
سوریه	2WL
تایوان	1
تاجیکستان	2
تانزانیا	2WL
تایلند	2WL
تیمور شرقی	2
توگو	2
تونگا	2
ترینیداد توباگو	2
تونس	2WL
ترکیه	2
ترکمنستان	3
اوگاندا	2
اکراین	2
امارات متحده عربی	2
انگلستان	1
ایالات متحده آمریکا	1
ارگوئه	2
ازبکستان	2WL
ونزوئلا	3
ویتنام	2WL
یمن	3
زامبیا	2
زیمباوه	3
ساحل عاج	مورد استثنایی
هائیتی	مورد استثنایی

سومالی مورد استثنایی